

که در واقع هیچ متهاجمی نمیتواند بآن دسترسی یابد و بهمین جهت مردم آنجا اکثراً سرکش و همیشه آماده شورش و مستعد خودداری از پرداخت مالیات بوده‌اند و این وضع شامل آن نواحی است که از رودخانه لار و قسمت های علیای هر از مشروب و بچهار بلوک تقسیم میشود: امیری یا پائین لاریجان، بالا لاریجان، بهرستاق، دیلارستاق.<sup>۱</sup> سه چهارم از روستائیان زمستانها دهات خویش را ترک می کنند و در قشلاق های مازندران اقامت مینمایند. میگویند که بین چهار تا پنج هزار خانوار در این ناحیه هستند. محصولات آنجا گندم و جو است.

لاریجان قدیم ترین ناحیه طبرستان است. در آنجا در قریه ورکه، فریدون تولد یافته و ضحاک را در این محل زندانی کرده. ابن اسفندیار مینویسد که سهل بن المرزبان، لاریجان را در تصرف داشته و جادهای در آنجا ساخت که قبل از زمان او آن حدود تابستان و زمستان غیر قابل عبور بوده و او این را با بریدن کوهها و کندن تونل و ساختن پلها و مسافر خانه ها برپا ساخته بود. اسفان بن شیرویه از اهل لاریجان بود<sup>۲</sup> و به قبیله ورداوند تعلق داشته. یاقوت مینویسد لاریجان شهر کوچکی است بین ری و آمل و از هر کدام ۱۸ فرسخ فاصله دارد و بوسیله قلعه ای دفاع میشده که در تاریخ آل بویه غالباً نامش برده شده است.

رودخانه لار که در بلوک لاریجان واقع است از شمال به کوههای سرحک کهو و سرحک و پیازک و دیو سیاه و الرور و لرو و دماوند<sup>۳</sup> از مغرب به

۱ - رجوع کنید به ضمیمه اول «ور» دهات لاریجان.

۲ - تاریخ مازندران ظهیرالدین مرعشی ص ۳۱۳ ج ۲ فصل ۹ و ۱۰. ۳ - ارتفاع دماوند در حدود ۱۹۰۰۰ پا است. درباره این کوه به « یادداشتهای راجع به دماوند » (Notes on Demavand) ۱. ه شیندلر گزارش انجمن جغرافیائی پادشاهی مورخ فوریه ۱۸۸۸ و « عراق ایران شرقی » (Eastern Pers. Irak) گزارش انجمن جغرافیائی ۱۸۹۷ و « سواحل جنوبی دریای خزر » اثر ملکونف ص ۲۱ - ۲۷ و سرزمین خلفای مشرق اثر استرنج ص ۳۷۱ و تاریخ ابن اسفندیار ص ۳۵ - ۳۷ و کتاب « یکسال در میان ایرانیان » اثر براون ص ۵۵۹ و کتاب ایران شهر مازکوارت ص ۱۲۷ - ۱۲۹.

کتم‌بسته<sup>۱</sup> از جنوب به هره سنگ<sup>۲</sup> و اشتر و خاتون بارگاه و کرونک و لار کوه و لواسان و فیل زمین و بستان و سیاه‌چال محدود میشود «۶۳». در لار درخت یا بته‌هایی نیست ولی مراتع عالی دارد و سکنه آن صحرائشین‌هایی هستند که تابستان را با گله و گوسفند در آنجا مانده زمستان به کناره دریاى خزر می‌روند «۶۴».

رودخانه لار از دو نهری که از کتم‌بسته و هرسنگ و اشتر و کوه‌های سوتک در ارتفاع ده هزار پارسا سرچشمه میگیرند تشکیل میشود. این دو نهر از دو آب در یورت سه دره بهم ملحق و بطرف جنوب شرقی جاری میشوند. دره اولی خیلی تنگ است. ولی در پائین یورت کلوردک وسیع‌تر و در پایین بستک عریض و باز در یورت خانلرخان از عرض آن کاسته میشود. بعد از ورود آب نهر دلی‌چای بآن از کرده تنگی عبور مینماید، تا آنکه به پل پلور میرسد و از آنجا رودخانه به هر از معروف است که از دامنه دماوند در تنگه عمیق و باریک سنگی اسک جاری و سپس بسمت شمال شرقی منحرف میشود و دماوند در سمت چپ آن قرار میگیرد و بعد از عبور از میان تنگه‌ای عمیق در حدود یک فرسخی جنوب آمل به جلگه میرسد و از آنجا در جهت شمال بطرف آمل جاری و در خود آمل رودخانه عریض میشود. پلی که دوازده طاق دارد بر آن ساخته‌اند. رودخانه مزبور بالاخره بدو شاخه تقسیم میشود یکی شعبه غربی در محمودآباد و دیگری شاخه شرقی بنام سرخ‌رود که در قریه‌ای بهمین نام بدریاى خزر میریزد.

شعبه‌های رودخانه لار عبارتند از دو شعبه مربوط به سفیداب و کیله‌گیچ و الرم در سمت چپ و دو شاخه دیگر آب باران و سفیداب «۶۵» و رودخانه دلی‌چای در طرف راست. یانیر و خشک‌رود و چهل‌بره و گلخانه و سیاه‌پلس و دو شعبه متصل امی‌مهانک و تنگ‌آو و از پایین پل‌پلور رود زیار که از جهت جنوب شرقی می‌آید

و زاغ رود و شیرش که از سمت راست بآن میریزند در پایین پل پلور اسم لاربه‌هراز تبدیل میگردد. شعبه‌های عمده رود هراز عبارتند از کهرود در سمت چپ و آناور در طرف راست و هرده رود (که بنظر من همان رودخانه نور است) «۶۶» در سمت چپ و کمررود در طرف راست.

ناحیه سواد کوه (سابقاً به کولایی معروف بود) که نامش از کوه سوات واقع در جنوب شرقی ده چرات گرفته شده، محدود است از طرف جنوب به فیروز کوه که بوسیله کوه شلفین یا شروین (که در نزدیکی قدمگاه پیاز مرکر و در سایر نقاط منکی چال و شارک و گدوک شاه نام دارد) از آن جدا میشود. در سمت شرقی آن هزار جریب و در مغربش لاریجان و بندپی واقع اند. از سمت شمال سامان سواد کوه به شیرگاه میرسد که در آنجا نهرهای راست آب پی<sup>۱</sup> و ولویی در محلی که به دو آب موسوم است بهم پیوسته و رودخانه تالار را تشکیل میدهند.

در ریلاقات سواد کوه خانه‌ها را با سنگ و یا چوب ساخته بام آنها لته پوشی است. در وسط راه گردنه گدوک در طرف شمال، قشلاق شروع میشود. خانه‌ها در قشلاق دو طبقه دارند بام آنها از گلش (کاله) یا سفال است.

سواد کوه<sup>۲</sup> از دو دره تشکیل شده است یکی راست پی یا راست آب پی در مشرق و ولویی در مغرب یعنی ناحیه ای که در طرف راست آب و قسمتی که در طرف چپ آب است.

راست پی به پنج بلوک تقسیم میشود. اول سرخ رباط دوم دو آب بالا سوم خانقاه پی چهارم خانقاه پنجم راست آب پی کوچک. ولویی بهفت بلوک تقسیم شده است: چرات، اند، الاشت، کرمرزد، کلاریجان، و کماندین، زیراب و کسلین «۶۷» رود تالار که از جنوب جبال شه میرزاد در مرز سمنان سرچشمه میگیرد در سواد کوه

۱- راست پی (مترجم) . ۲- در مورد دهات سواد کوه رجوع کنید به ضمیمه اول «۷» .

بوسیله پل سفید که دو طاق دارد از روی آن عبور و مرور می کنند. این پل در سی میلی شمال فیروز کوه و چهل و دو میلی جنوب ساری واقع است. پل دیگری هم بر رودخانه تالار در بین راه ساری به بار فروش در ده میلی مشرق بار فروش هست. رودخانه تالار ابتدا به سه شاخه میرود، چپک رود، سیاهرود یا رود لاریم تقسیم و سپس بدریای خزر وارد میشود.

جاده فیروز کوه (ارتفاع ۵۵۸۰ پا) به کاروانسرای گدوک واقع در سه فرسخی فیروز کوه و نیم میلی جنوبی گردنه گدوک (۶۶۲۰ پا) منتهی میگردد. کاروانسرای گدوک در بین دو مرز ایالت های عراق و مازندران واقع و آن يك بنای بزرگ و محکم سنگی است که اکنون بوضع اسفناکی ویران افتاده است. شاه عباس آنرا در سرشاهراه اصفهان به فرح آباد بنا کرده بود. این جاده در امتداد دره راست پی سواد کوه واقع است. وقتی که از آن نقطه بسمت مازندران رهسپار میشویم راه رفته رفته تنگ تر و بسیار دشوار میشود. خرابه های قلعه کلیپ «۶۸» که نام یکی از راهزنان مهم زمان شاه عباس کبیر بوده بطرز باشکوهی در بالای کوه بر فراز پرتگاهی واقع شده و چنین می نماید که آن قلعه گردنه گدوک را می بسته و آنرا از گردنه دیگری که بسمت جنوب میرفته جدا میکرده است<sup>۱</sup>. بعد به دره دیگری میرسیم که عریض تر و کمی مزروع است و قلعه معروف به دیوسفید مشرف بر دره و نهر مجاور آن است و گردنه دیگری که اهمیتش باندازه تنگه اولی نیست و سابقاً بوسیله دیوار محکمی که پنج پا ضخامت داشته و آثارش هنوز در آنجا دیده میشود محصور بوده. سرخ رباط (ارتفاع ۲۳۴۰) در سه فرسخی گردنه گدوک واقع است. قدری جلوتر از روی پل زیبایی موسوم به پل سفید که دو طاق دارد از جاده چپ بطرف راست

۱ - کتاب « یاددشتهای روزانه توقف در شمال ایران و ایالات مجاور آن »  
(Journal of a Residence in Nor ...) اثر ستوارت (Stuart) صفحه ۲۵۵.

رودخانه تالار میرود و در چهار فرسخی سرخ رباط به زیراب میرسد (ارتفاع ۲۲۱۰ پا). از آن نقطه جاده در امتداد راه شاه عباسی است که قسمت اولش بکلی خراب است، پس از عبور از يك شعبه رودخانه تالار بوسیله پلی که دو چشمه دارد جاده به شیرگاه میرسد که در ۱۴ میلی شمال زیراب واقع شده است. در دو فرسخی هفت تن (ارتفاع ۳۱۰ پا) و يك فرسخ بالاتر علی آباد واقع و از این محل تا بارفروش سه فرسخ راه است. در دو میلی شمال علی آباد راه از رودخانه تالار میگذرد. اعتماد السلطنه مینویسد که در طرف چپ جاده نزدیک کدوک خرابه قلعه اولاد دیوسفید دیده میشود. (این همان قلعه اولاد است که تاریخ نویسان ایرانی ذکر کرده اند). در طرف راست آثار قلعه های دیگری است. پیش از ورود بسرخ رباط مسافر از تنگه چهل در عبور میکند. (پل دختر بر آب کسلیان سرحد بین سواد کوه و شیرگاه است). پس از عبور از شیرگاه از نهر اتجان که بر رودخانه تالار میریزد و بعد هم از پل دیگری که شاه عباس ساخته و بستل نام دارد میگذریم. از دو آب که در نیم میلی سمت شمالی سرخ رباط است راه باریکی از طریق کمرو به سمنان میرود. طول این راه بنا بر اطلاع اهل محل بقرار زیر است: تا کمرو ۱۶ میل، شهمیرزاد يك میل و نیم، سمنان ۱۶ میل جمعاً ۴۷ میل و نیم.

۲۷ نوامبر ۸ میل - از آمل بطرف مشرق حرکت کردیم بوسیله پلی دوازده پله از رودخانه هراز و بعد هارون محله و شیررود و اشکرز و يك شعبه نهر اشکرز که سابقاً پل آجری داشت عبور نمودیم و در جهت مشرق به نهر اسپاربن و از دهی بهمین نام و دهکده هند و کلا و نهر باعو گذشته به المدر محله آمدیم. از نهرهای پارود و کوتل کش بوسیله پل های سنگی عبور کردیم بعد به نهر ملیت و بالاخره به محلی که

۱- محمد حسن خان اعتماد السلطنه در «کتاب التودین فی احوال جبال شلنین (باغروین)» چاپ طهران

سه پل نام داشت وارد شدیم . در آنجا بشاهراه آمل و بارفروش رسیدیم که از ساحل چپ رودخانه کاری که شعبه هراز است میگذرد . پس از عبور از کاظم بیگی شب را در احمد چاله پی ماندیم این محل را امجد پی مینامند دهی است دارای چهل خانوار بایک مسجد و یک امامزاده بنام (درویش عزیزالله) .

۳۸ نوامبر ۱۲ میل - ترك محله در بین راه امجد پی و بارفروش واقع است . از دهات دیگری که عبور کردیم عبارت بودند از اسپو کلا درویشه خاک ، متی کلا ، کلاگر محله و موزورج . بعد به پلی رسیدیم که محمد حسن خان قاجار برودخانه بابل درست در محلی که آب هارون از مغرب باین رودخانه میریزد ساخته . دو تا از طاقهای این پل بواسطه زلزله در حدود سال (۱۸۲۰ مسیحی) خراب شد و بعد از چندی آنرا تعمیر کردند . در سال ۱۹۰۷ نیز دو تا از نه طاق پل را سیل برد و یکی از تجار بارفروش که فرزندی نداشت ، قسمت زیادی از دارایی خود را صرف تعمیر آن پل کرد که اکنون در کمال درستی است . رودخانه بابل عمیق و جریان آبش کند و کف رودخانه خطرناک است . شهر بارفروش در کنار رودخانه واقع شده است .

## فصل پنجم

بارفروش - وضع آن - بنای آن - مامطیر -  
جمعیت - مسجد کاظمیگی - مسجد جامع - مشهدس -  
حوالی آن - بقعه ابوجواب - از محمودآباد به فرح آباد -  
محله های بارفروش - از بارفروش به فرح آباد - ناحیه  
فرح آباد - استنکارازین - از فرح آباد به ساری - راه  
ساری تا بارفروش .

بارفروش شهر عمده بازرگانی مازندران در کنار شرقی رودخانه بابل واقع است و  
تامشهد سر ۱۲ میل و تاپای کوه نیز همین قدر فاصله دارد . این شهر که ابتدا به بارفروش  
ده یعنی دهی که در آنجا بار میفر و ختنند معروف بود ، در قرن دهم هجری (اوایل قرن  
۱۶ مسیحی) در محل سابق شهر مامطیر<sup>۱</sup> بنا شده و موقعی که محمد بن خالد حاکم  
ایالت بود ، در آنجا بازار و عمارت ساخت . در سال ۱۶۰ هجری مازیار بن قارن مسجدی  
در آنجا بنا کرد . با آنکه بارفروش<sup>۲</sup> بزرگترین شهر مازندران است حاکم نشین نیست  
و مرکز حکومت در ساری است . بغیر از بازارهای شهر که تار یکند و بد بنا شده اند  
خانه ها بقدری از هم دور و پراکنده اند که با اشکال میتوان وضع شهر را که فضای  
وسیعی را اشغال کرده است بنظر آورد .

۱- رجوع کنید به ابن اسفندیار ص ۲۷-۲۸ . ابن اسفندیار قبر ابن مهدی مامطیری را در مامطیر زیارت  
کرد . (کتاب ابن اسفندیار صفحه ۷۶) ۲- رجوع شود به گزارش دیپلماسی و کنسولی، مؤلف شماره ۴۸۱۲ ص ۳-۴

بنا بگفته اهل محل ، شهر ۹۱۲۲ خانوار و ۲۵ هزار نفر سکنه دارد که ۷۴۰ نفر از آنها یهودی اند . ۶۳ محله ، ۲۶ مسجد ، ۸ مدرسه ، ۳۱ تکیه که در ایام متبر که محرم مورد استفاده قرار می گیرند ، ۱۰ امامزاده و مقبره سه تن از دراویش ، ۳۱ کاروانسرا برای تجار و ۱۳ کاروانسرا برای کاروان ، ۳۶ حمام و چندین دبستان و ۱۴۷۱ دکان دارد «۶۹» . در ظرف ۵۰ سال اخیر شهر خیلی آباد شده و توسعه یافته است . در خارج شهر بارفروش ، در سمت جنوب غربی آن در کنار میدانی که پر از درخت توسکای کوتاه است باغشاه ( بحر الارم ) واقع است . و آن باغ وسیعی است که شاه عباس تأسیس کرده و بموجب دو کتیبه که یکی بالای در ورود و دیگری در بالای محراب مسجد کاظم بیگی است . بوسیله محمد خان قوانلو که در موقع فرمانروایی محمد حسن خان حاکم مازندران بوده در سنه ۱۱۶۹ هجری قمری ساخته شد و عایدات دهات کاظم بیگی ، دهک (در لالا آباد) سنو (در جلال ازرك) قلعه کش و آقا ملک (در ساسی کلام) و گنجوروز وقف آن بوده است .

از کتیبه ای در مسجد جامع استنباط میشود که بفرمان محمد شاه ، فضلعلیخان حاکم مازندران در سال ۱۲۵۱ هجری مالیات های نانواها را ملغی کرده بود و کتیبه دیگر حاکی است که مسجد مزبور بواسطه زلزله در زمان فتحعلی شاه خراب شد و بوسیله میر محمد حسین در سنه ۱۲۲۰ هجری دوباره ساخته شد . ظهیرالدین نقل میکنند که در بارفروش تپه کوچکی بود بنام پشته ازرك دون یعنی خانه ازرك که مقرر عموزادگان کیا فخرالدین و کیا و شتاسب بود . این دو تن از امرای آل جلال بودند و مدت کوتاهی در مازندران شرقی پس از مرگ فخرالدوله حسن حکومت داشتند .

بندر بارفروش مشهد سر است که بر مصب رود بابل واقع است . جاده بارفروش به مشهد سر ، از حمزه کلا و نعل کلا و امیر کل و پازوار (زادگاه امیرپازواری شاعر) و میر بازار که در هفت میلی مشهد سر است و سه شنبه ها در آنجا بازار برقرار میشود



می‌گذرد. در اینجا راهی از رودخانه بابل به کلبست که در طرف دیگر رودخانه است وجود دارد. از این بازار راه از کنار رودخانه بابل که فراز و نشیب بسیار دارد به مشهد سر که در ۱۲ میلی شمال غربی بارفروش واقع است می‌رود. بین مشهد سر و دریا در طرف راست رودخانه بابل يك رشته تپه های شنی هست که بر آن‌ها فانوس دریائی ساخته‌اند. از برج بزرگی که گملین ذکر کرده است و در موقع پیاده شدن قراق‌های روسی ایالت (دون) بفرماندهی استنکارازین باین سواحل ساخته شده بود اثری دیده نمی‌شود.

ناحیه مشهد سر دارای بلوک ذیل است بلده، بانصر کلا، پازوار، رود پشت، تالارپی. مشهدسر یعنی مزار شهید و او امامزاده ابراهیم ابوجواب میباشد (ابوجواب یعنی آن کس که اجابت می‌کند). بنای امامزاده در مشرق آن محل واقع و بر طبق معمول مشتمل است بر برجی گرد با بام مخروطی شکل در محوطه‌ای که پر از درخت نارنج و پرتقال است. در آن بنا چهار در چوبی منقوش هست که هر کدام کتیبه‌ای دارد. در شرقی که بدستور سید عزیزبن سید شمس‌الدین بابلکنانی ساخته شده کار استاد محمد نجار فرزند استاد علی‌الرازی تاریخ آن محرم ۸۴۱ هجری است. در جنوبی منسوب به بی‌بی فضا خاتون دختر امیر سعید و نجار آن حسن بن استاد بایزید تاریخ ۹۰۵ هجری قمری است. در غربی با مرید سید شمس‌الدین فرزند سید عبدالعزیز بابلکنانی ساخته شده. نجار آن استاد محمد فرزند استاد علی‌الرازی تاریخ آن جمادی الاول ۸۵۸ هجری است. در شمالی بدستور سید شمس‌الدین فرزند سید عبدالعزیز بابلکنانی ساخته شده و نجار آن استاد محمد فرزند استاد علی‌الرازی تاریخ ذی‌الحجه ۸۵۷ و کتیبه‌ای نیز بخط تقی‌آملی است که بدست استاد اسمعیل نجار آمل‌الرازی کنده شده و از آستان پیغمبر و دوازده امام استدعای لطف الهی نموده است. در يك بنای وصل بآن که فعلاً ویرانه است دری بسا کتیبه‌ای بتاریخ محرم

ز -  
ا - راکا ۵۵

سنه ۹۰۶ هجری است حاکی ازین که آن بنا منسوب به سیده بی بی خاتون دختر امیر سعید و زن سلطان امیر شمس الدین متوفی است . و آن کار استاد علی نجار بن استاد فخر الدین بن استاد علی و کتیبه بخط احمد بن حسین

نام است .  
 در مشهر سر بقعه بی بی سکینه نیز هست که در آن کتیبه ای دارد بتاریخ ۸۷۳ هجری و حاکی است که آن بنا بر روی قبر بی بی سکینه دختر امام موسی کاظم ساخته شده و در آن منسوب به سید خجسته فرزند فخر الدین بابلکائی است و شمس الدین نجار پسر استاد احمد سازنده آن بوده است . در دیگر هم کتیبه ای داشت که من بخواندن آن موفق نشده ام .

راه محمود آباد به فرح آباد از سیاه رود بار میگذرد و در دو طرف این رودخانه دو ده قرار دارد بنام تفنگکا و اهلمه ( و دهی بهمین نام اهلمه در دو میلی دریا است ) «۷۰» و شلیت و ملا کا با دو محله در حد بین آمل و بار فروش واقع است . سپس از محله های سرخ رود که بوسیله رودخانه ای بهمین نام که شعبه هراز است از یکدیگر جدا میشوند و از وزرا و شیررود گذشته به فریکنار میرسد . در آنجا گداری در عرض رودخانه است که از آنجا رفت و آمد میکنند . فریکنار در هفت میلی مشهدسر واقع است . در نیم فرسخی شرقی مشهدسر میررود واقع است که عمیق میباشد ولی عریض نیست و از گداری در آن رفت و آمد میشود . در آنجا مسافر از دهانه قدیمی رودخانه بابل که بوسیله اهالی در حدود سال ۱۸۵۰ مسیحی به مسیر فعلی منحرف شده بسمت مشرق به محله باقر تنگه میرود . بعد جاده از تالار در قسمتی که چپک رود نام دارد و لاریم و سیاه رود «۷۱» عبور نموده و هشت میل دورتر از آن محل برودخانه فرح آباد میرسد . در حدود سال ۱۸۵۷ مسیحی (صدسال پیش) دو برج بلند هشت ضلعی که از یکدیگر چندان دور نبودند در مغرب رودخانه

فرح آباد ساخته شد تا مانع پیاده شدن تر کمن‌ها از سمت دریا بشود. دو ساختمان مشابه دیگر در سر راه نودرآباد و ذاغمرزهست. اسامی این چهار برج که بین‌تجن و میان‌کلا قرار دارند در نقشهٔ دمرگان<sup>۱</sup> برج‌علینقی و برج‌زردی و برج‌نکا و برج‌کوهر بران ثبت شده است.

بلوکات بار فروش بقرار ذیل است: بلده، بالابلوك، بالاتجن، بندپی «۷۲» بیشه، جلال ازرك، لفور «۷۳» لال‌آباد، مشهد - کنجورود، ساسی کلام.<sup>۲</sup>

درم دسامبر ۱۶ میل - هنگام عزیمت از بارفروش از شعبهٔ رودخانه بابل و دهات آغوزبن و حاجی‌کلا و حیدرکلا و ده آغوزبن دیگری عبور نموده وارد بیشه‌سر شدیم. ده بعدی عزیزک بود که در سمت شمال آن اصطخ بزرگی واقع بود. بر رودخانه تالار پل‌چوبی بطول ۳۳ گام ساخته بودند و پس از عبور از میان جنگل انار به ده بهنمیر آمدیم. ده بعدی روشن‌دون بود. سپس به جنگل ازنوا رسیدیم در اینجارجاه از میان یک دشت باتلاقی میگذشت و پس از عبور از چپک‌رود به دهکدهٔ انارمرز وارد شدیم. محل کوچک چپک‌رود که سابقاً از توابع بارفروش بود و بعدها به‌سازی ملحق شده از شرق محدود است به کردکلا. از مغرب به روشن‌دون و از جنوب به مدان (یا بتصور من به جوبار) و از طرف شمال به لاریم و بحر خزر و شامل دهات انارمرز که سی خانوار جمعیت دارد و دینه چال ۵۰ خانوار و پیت‌رود ۴۰ خانوار و امامزاده عبدالله ۳۰ خانوار میباشد.

در زمان شاه عباس عده‌ای در سواحل دریا منزل داشتند و چون همواره در معرض تاخت و تاز دزدان تر کمن بودند به نواحی دور از دریا کوچ کردند و در اماکن کنونی اقامت گزیده‌اند. نزدیک دریا قطعه ایست معروف به قبر سلطان ابراهیم ادهم ولی ساختمانی در آنجانیست میگویند در محلی به نام گیله‌ورد نزدیک

چپک رود یا همان حدود ، نفت هست و میگفتند از چپک رود به مشهدس باید از رودخانه‌های ذیل عبور کرد: زیکش ، هلی کلا و تالار .

سوم دسامبر ۱۶ میل - جلگه بین انارمرز و لاریم هموار است و زراعت کمی در آنجا دیده میشود . از میان محله نیت رود عبور نمودیم و در سمت راست کرد کلا و کوهی خیل را مشاهده کردیم . تپه بزرگی موسوم به دیم تپه نشانه محله ای قدیمی است . دهکده لاریم ۲۰۰ خانوار جمعیت دارد و سیاه رود میان آن جاری است . پس از گذشتن از شهر زرین کلا و دهی بهمین نام به عباس علی کش ( ۴۰ خانوار ) وارد شدیم که قریه سید محله بآن متعلق است . بعد از نهر خوردرو گذر کردیم . اراضی بین عباس علی کش و قاجار خیل صحرای وسیع شوره زاری است که چراگاه گاو و کوسفند است . دبری نگذشت که ما از فرح آباد که در سمت شمال آن یکی از شعبه های رودخانه تجن جاری است و پل چوبی بعرض ۶۰ کام دارد عبور نموده به بندر فرح آباد که در مصب تجن واقع است رسیدیم .

فرح آباد که در ۱۷ میلی شمال ساری واقع است شامل است بر فرح آباد و دزنی - کنده و سوته که جمعا دارای ۷۰ خانه حقیر بامردمی فقیر است . در مساحت ربع میل از جنوب شرقی<sup>۱</sup> مصب تجن آثار شهر فرح آباد که از اقامتگاه های خاص شاه عباس بوده « ۷۴ » واقع شده که در سال ۱۶۶۸ مسیحی بوسیله يك دسته از قزاقان که استنکار ازین سر دسته قزاق های دون ( یکی از ایالات عمده روسیه واقع در شمال دریای سیاه ) در رأس آنها بود مورد غارت قرار گرفت<sup>۲</sup> . سابقاً در اینجا از رودخانه تجن بوسیله يك پل محکم آجری عبور میکردند که پایه های آن هنوز دیده میشود . ناحیه فرح آباد شامل بلده ، انده رود ، شهر خواست ، کیلخواران ، میاندو رود و

۱- E. S. E. ۲- برای شرح غارت فرح آباد رجوع شود به سفرنامه سرجان شمارون در ایران چاپ

لندن سال ۱۶۸۶ ص ۱۵۲-۱۵۴ فصل سوم «تاج گذاری شاه سلیمان» ص ۱۳۱-۱۴۳

رود پی است.<sup>۱</sup>

چهارم دسامبر ۱۷ میل- پس از عبور از حمیدآباد و دزنی کنده به آکند که ۷۰ خانوار جمعیت داشت و کنار راه شاه عباسی «۷۵» واقع بود رسیدیم. از آثار اصطلاحها و تأسیسات آبیاری قدیمی که ما در جنگل دیدیم معلوم بود که این قسمت مازندران در زمان صفویه از نعمت آبدی بسیار برخوردار بوده است. در ماه فیروز محله که در طرف چپ نزدیک رودخانه تجن واقع است، معبری بنام کربلائی علی کشت یعنی محلی که کربلائی علی را غرق کرده بود قرار دارد. بعد به فیروز کنده آمدیم که در سمت چپ جاده در چهارمیلی ساری است. قدری دورتر به علی واک که در سمت چپ راه ما واقع بود رسیده و سرانجام بدروازه فرح آباد شهر ساری وارد شدیم.

راه مستقیم ساری به بارفروش از امامزاده اسندج (عیسی خندق ۳۵ میل و تیر کلاو از ۳ میل و نهر سیاهرود نیم میل، فلاخ نیم میل، فوتم  $\frac{۳}{۴}$  میل، سید محله  $\frac{۳}{۴}$  ۱ میل، رودخانه تالار  $\frac{۱}{۴}$  ۱ میل، مهری  $\frac{۱}{۴}$  میل، لیورچال ۱ میل امامزاده سلطان محمد طاهریک میل «۷۶» بارفروش ۳ میل، میگذرد. این راه فقط از میان راههای باریک دهات و جنگل‌های انبوه و گاهی زمین‌های باتلاقی که مسافر محتاج برانما است عبور می‌کند. راه دیگری از ساری از طریق علی آباد هست که در امتداد جاده شاه عباسی است و خیلی خراب است. بین سیاه رود و ساری دهات افرا کوتی، ارته و سرخ کلا واقع اند. «۷۷»

۱- در مورد دهات فرح آباد رجوع کنید به ضمیمه اول «ی».

## فصل ششم

ساری - تاسیس آن - تاریخ آن - شرح مقدسی -  
غار ت ساری بدست امیر تیمور - وضع شهر - دروازه‌ها  
محلله های شهر - عمارات - مسجد جامع - گنبد سلیم  
و تور - امامزاده ها - امامزاده زین العابدین - مزار  
ملا مجدالدین - بلوکات ساری - توابع آن - بلوکات  
هزار جریب - دودانگه - چهاردانگه - یانسر - سرخ  
گریه - یخ کش .

شهر کنونی ساری در جوار محل یکی از شهرهای بسیار قدیمی برپاشده است .  
در باره نام شهر قدیمی مذکور دانشمندان عقاید مختلف اظهار داشته اند و هر کسی نام  
یکی از بلاد باستانی را که در کتابهای یونانی دیده میشود بر آن محل نهاده است .  
بعضی گفته اند این همان محلی است که به فنا که<sup>۱</sup> موسوم بوده . بعضی دیگر آنرا  
زدر کرته<sup>۲</sup> میدانند و برخی هم معتقدند که نام شهر مزبور سیرینکس<sup>۳</sup> بوده است .  
وقتی که منوچهر برای انتقام قتل ایرج پدر خود سلم و تور را کشت آنها را در ساری در  
کنار قبر ایرج مدفون کرد و بر هر قبری گنبدی ساخت که در زمان ظهیرالدین  
به سه گنبد معروف و بقدری محکم بود که امکان نداشت آنرا بتوان خراب  
کرد « ۷۸ » .

رستم بعد از نبرد شومی که با پسر خود سهراب کرد، ابتدا میخواست نعش فرزندان را به زابلستان بفرستد، ولی بواسطه گرمی هوا او را در همان ساری در محلی موسوم به قصر تورامانت گذاشت که گویا بعدها در همانجا مدفون شد.

فرخان بزرگ بیکی از بزرگان درباری خود بنام باو فرمان داده بود که شهر ساری را در محل ده اوهر (که بعد به نارنجه کوتی معروف شد) بنا کند. این مکان را بواسطه موقعیت ممتاز ونهرهای فراوان و محلات باصفای اطرافش انتخاب کرده بودند. ولی سکنه آنجا با دادن رشوه باورا فریفته وادارش کردند، که از آن کار منصرف شود و محل دیگری را انتخاب کند. وقتی که پادشاه از خیانت باو آگاه شد او را بزندان انداخت و در دهکده آویجان (یا باو آویجان) ویرا بنادر زد و با پولی که باو از راه رشوه جمع کرده بود دهی ساخت موسوم به دینار کفشین.<sup>۱</sup> یزید بن مهلب که در زمان خلیفه سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹ هجری) برای تسخیر طبرستان اعزام شده بود ساری را اشغال و در قصر اسپهبد منزل کرد. ولی بزودی در اثر تهدید اسپهبد خان فرخان بزرگ ناگزیر شد مازندران را ترک گوید.

نام ساری از سارویه فرزند فرخان که در موقع کودکی برادرزاده خود اسپهبد خورشید نایت السلطنه بوده گرفته شده است. قصر اسپهبد که اسپهبدان هم نامیده میشده بوسیله راز مهر و سارویه و خورشید مرمت شد. خورشید چهارصد جریب (گری) زمین (که در عهد ابن اسفندیار کیسه خوانده میشد) بآن ضمیمه کرد. اردشیر آنجا را محل تربیت اسبهای عربی نمود و قلعه محکمی در آنجا ساخت موسوم به سه دله یا سه دلهو همچنین بازاری بنا کرد و صنعتگران را از نقاط دیگر طبرستان بر گزیده در آنجا مسکن داد و پنج دروازه برای شهر ساخت بنام دروازه کوهستان، دروازه دریا، دروازه گیلان، دروازه گرگان و دروازه صید

و نیز فرمان داد مجرای آبی از کوهستان تا دریا بسازند و آب بشهر بیاورند و آنرا کیلانه جوی نامید. بعلاوه يك حوض ماهی و در بیرون دروازه صید میدانی بزرگ و خندق عمیقی ساخت که آثارش تا زمان ابن اسفندیار باقی بوده<sup>۱</sup>.

اول بنایی که از طرف مسلمین در طبرستان ساخته شد مسجد بزرگ ساری بود که بدستور ابوالخضیب نخستین حاکم بنی عباسی در طبرستان در سنه ۱۴۰ هجری بنا گشت. دیری نگذشت که در همان محل مسجد جامع را ساختند. چنانکه ابن اسفندیار میگوید « ساختمان مسجد ساری در زمان هارون الرشید بوسیله یحیی بن یحیی شروع و توسط مازیار بن قارن تمام شد. »

ساری پایتخت فرمانفرمایان آل طاهرو پادشاهان آل علی حسن و محمد بن زید در قرن سوم و تا سال ۶۳۵ هجری هم مرکز آل باوند بود. دیوارهای ساری در سال ۱۷۹ هجری بوسیله عبدالملک بن قعقع مرمت یافت و بعد بدست مازیار ویران شد. ولی خود او بزودی آنرا تعمیر کرد و دیری نگذشت که مازیار بدست عبدالله بن طاهر گرفتار گشت و او مازیار را نزد خلیفه برد و بدستوروی در سامره در سنه ۲۲۴ هجری بقتل رسید.

شهر ساری را روسها در سال ۲۹۸ هجری (۹۱۰ مسیحی) وقتی که از راه دریا بسواحل مازندران تاخته بودند، آتش زدند. در سال ۳۲۵ هجری ساری از سیل آسیب سخت دید. بطوری که مردم آن ناچار به کوهستان پناه بردند. مقدسی (۳۷۵ هجری) راجع به سارویه (نام قدیمی ساری) مینویسد: « محل پر جمعیتی است که در آنجا پارچه فراوان میبافند و بازارهای آن مشهور بود. دارای حصاری کوچک و خندقی بود و يك مسجد جامع داشت که درخت با شکوه نارنج آن بسیار جالب بوده و همچنین درخت خیلی بزرگ انجیر برپل شهر و بعلاوه پلی که با قایق بسته شده



معروف بود. <sup>۱</sup>

حسام الدوله شهریار، دژهای ساری را در حدود سال ۵۰۰ هجری تعمیر کرد. این اسپهبد در دولت آباد که نزدیک ساری واقع است قصری داشت. در سال ۵۷۸ هجری سلطان تکش برضد شاه اردشیر از راه کرگان به مازندران لشکر کشید و به ساری آمد قصرها و قلاع آنرا بسوزانید و شهر را غارت و اطراف آنرا بکلی ویران کرد. در زمان پادشاهی سلطان محمد خوارزمشاه باز ساری غارت شد. ویرانی که بدست مؤید بالله یکی از سرداران او پدید آمد بقدری زیاد بود که برای احتراز از حدت آفتاب احدی نمیتوانست پناهگاهی در شهر بیابد.

ساری در قرن هفتم هجری هنگام حمله مغولها باز صدمه بسیار دید. وقتی که حمدالله مستوفی راجع باین شهر شرحی مینوشت، آنجا تقریباً ویرانه بود. با وجود این هنوز زمینهای آن حدود انگور و غله فراوان بدست میداد و ازبیلله های ابریشم در آنجا پارچه می بافتند. در سال ۶۳۵ هجری حسام الدین اردشیر بن کینخوار پایتخت را از ساری که آسان در معرض حملات مغول بود به آمل که خود در آنجا اقامت داشت انتقال داد.

در ظرف مدت کوتاهی که خاندان جلال کیا در مازندران حکومت داشتند عمارتی در ساری برپا ساختند. ولی قسمت عمده شهر هنوز در حال ویرانی بود و بزودی جنگل آن محل را فرا گرفت و مکان جانوران شد. سید کمال الدین بن قوام الدین مرعشی دیواری دور شهر ساخت و آنرا با خندق عمیقی محصور کرد و در درون دیوار قلعه و قصری برپا داشت و شهر را دوباره بنا کرد و این کار در سال ۷۶۹ هجری آغاز و سنه ۷۷۷ تمام شد.

در سنه ۷۹۵ هجری لشکریان امیر تیمور شهر را غارت کردند و فاتح مزبور به

قتل عام اهالی فرمان داد و شهر در دوره حاکم جدید که جمشیدبن قارن غوری نام داشت بزودی از این لطمه سخت بهبود یافت و پایتخت مازندران باقی ماند تا وقتی که زندیه آن ایالت را فتح و پایتخت را به بار فروش منتقل کردند. همین که آغا محمد خان قاجار اساس حکومتش را در مازندران استحکام بخشید باز مرکز را بساری انتقال داد.

ساری از هرج و مرجی که بعد از قتل نادرشاه در ایران پیدا شده بود لطمه بسیار دید. هنگامی که محمد حسن خان قاجار ناچار شد از شیراز بواسطه تعقیب لشکر شیخ علی خان زند به هزار جریب فرار کند، ساری باز در آن گیرودار بدست ترکمنها غارت گردید و بعد هم از طرف محمد خان سواد کوهی که پس از عزیمت نظر خان زند بحکومت مازندران منصوب شده بود صدمه دید. موقعی که در سال ۱۷۷۱ مسیحی سیاح معروف گملن از این حدود مازندران عبور میکرد، شهر ساری که به توده سنگ و آجر تبدیل شده بود تازه در شرف تعمیر بود و پایتخت چنان که گفته شده به بار فروش انتقال یافت. فورستر<sup>۱</sup> در ژانویه ۱۷۸۴ میلادی در ساری بود و شهر در همان زمان از حریق بزرگی لطمه دیده بود. او شرح میدهد که آنجا شهری مستحکم و اقامتگاه آغا محمد خان بود. ساری از آنوقت تا کنون حاکم نشین مازندران باقی مانده است. زلزله سال ۱۲۲۵ هجری (۱۸۱۰ مسیحی) باعث خرابی شهر شد و در سال ۱۸۳۰ مسیحی طاعون قسمت زیادی از سکنه آنرا تلف کرد. آثار دیوارهای قدیمی شهر هنوز باقی است. این شهر چهار دروازه دارد بشرح ذیل دروازه بارفروش، دروازه چهل در (چهل دختران) دروازه فرح آباد یا ملا مجدالدین و دروازه استرآباد. محله های عمده شهر از قرار ذیل است: میرمشهد، چهارتکیه، شکرآباد، نعلبندان، بیراهتر، شپش کشان، شاه غازی بن، باغشاه کهنه، اصفهانی محله،

۱- رجوع کنید به گزارش دیپلماسی و کنسولی مؤلف تحت شماره ۴۸۱۲ ص ۱۹.

این دروازه ها

میرسه روزه و اصانلو محله . ملکونف محله های زیر را نیز نام برده است :  
سبزه میدان ، بلوچی خیل ، افغان ، چاله باغ ، قلیچ لی محله ، ملا مجدالدین ،  
در مسجد ، پای چنار ، شیشه گر ، بهار آباد ، شاهزاده حسین ، امامزاده عبدالله و  
امامزاده یحیی .

شهر هفت مسجد ، پنج مدرسه ، هفت آب انبار ، پنج امامزاده در داخل و دو  
امامزاده در خارج و ۱۵ تکیه ، هفده کاروانسرا و چندین حمام دارد «۷۹» .  
مسجد عمده شهر یا مسجد جامع<sup>۲</sup> در روزگار باستان معبد کبرها بود . میگویند  
قبر فریدون در نزدیکی آن واقع است . ولی اثری از آن دیده نمیشود . بنای دیگری  
در آنجا بود که محل آن معلوم است . ولی از خود بنا اثری نیست . آنجا گنبد سلم  
و تور بود که می گفتند برج مخروطی شکل با پوشش سمنتی با ارتفاع بالغ بر صد پا و  
بقطر سی پا دارد . فریزر میگوید بگفته اهالی کتیبه ای داشت حاکی از اینکه  
حسام الدوله<sup>۳</sup> از فرمانروایان دیالمه که در قرن پنجم هجری در گذشته در آنجا مدفون  
شده و بنا بر این معلوم میشود که گنبد سلم و تور مذکور بنای اصلی که ابن اسفندیار  
و ظهیرالدین نوشته اند نبوده و بقدری محکم بود که با وجود چندین زلزله از بین  
نرفته بوده است . آغا محمد خان سعی کرد آنرا خراب کند . اما نتوانست و بالاخره  
در زلزله سال ۱۲۲۵ هجری درهم شکست و بفرمان ملک آرا محمد قلی میرزا فرزند  
فتحعلی شاه که حاکم مازندران بود آنرا خراب کردند . وقتی که استوارت<sup>۴</sup> به ساری  
رفت اثری از آن ندید . فقط در محل سابق بنای مزبور چاله ای مشاهده کرد . اسامی

۱- رجوع کنید به «گزارش دیپلماسی و کنسولی» مؤلف تحت شماره ۴۸۱۲ ص ۱۹

۲- در کتاب تاریخ مازندران ظهیرالدین مذکور است که مسجد جامع ساری رادر زمان خلافت هارون الرشید

یحیی بن یحیی بنیاد نهاد و مازنیارین قارن با تمام رساند . (مترجم) ۳- این باید بی شک یکی از اسپهبدان

آل باوند مازندران باشد . رجوع کنید « به سفرها و ماجراها در استانهای ایران در جنوب دریای خزر »

( . . . Travels and Adventures in ) اثر فریزر چاپ لندن ۱۸۶۶ ص ۴۲-۴۴

۴- Stewart سیاح انگلیسی (مترجم)

امامزاده های ساری از این قرار است : امامزاده یحیی ، امامزاده عبدالله که میرسه روزه هم نامیده میشود، شاه غازی ، ملا مجالدین ، امامزاده قاسم بن امام موسی کاظم نزدیک ملا مجالدین ، شاهزاده حسین در خارج شهر ، امامزاده سعید سر در محله بیرامتر ، شاهزاده سلطان محمد رضا و امامزاده زین العابدین .

سابقاً در نزدیکی دروازه بارفروش خرابه امامزاده ابراهیم بود که بواسطه زلزله در حدود سال ۱۸۱۰ مسیحی خراب شد . در کنار میدان کوچکی که از دروازه مزبور چندان دور نیست بقعه دیگری بنام امامزاده زین العابدین واقع است که هنوز بحال نسبتاً سالم باقی مانده . شاید امامزاده ابراهیم نیز بنائی نظیر آن بوده . بقعه این امامزاده از آجرهای عالی ساخته شده و از پایه تا رأس آن ۲۰ پا و مدور است و بعد بصورتی هشت ضلعی و مناره های مخروطی منتهی میشود که سابقاً باکاشی آبی مفروش بود ولی اکنون از آن اثری نیست . در درون آن دو صندوق چوبی هست که بطرز زیبایی ساخته شده و بر قبر زین العابدین و امیر شمس پسران سید کمال الدین مرعشی یکی از حکام قدیم مازندران قرار داشت . قسمتی از صندوق دومی کتیبه ای دارد که تاریخ وفات امیر شمس الدین را یکشنبه ۲۵ جمادی الثانی سنه ۹۰۵ ذکر نموده است . بر مدخل بنا کتیبه دیگری بود که بر آن نوشته شده بود که آن بنا را علاء الدین فرزند درویش محمد عبدالوفا ساخته . قدری بالاتر کتیبه دیگری از آیات قرآن که بر کاشی های معرق بسیار زیبا نوشته شده بود قرار داشت . بنای زیبای کوچکی نیز در خارج برج مزبور ساخته بودند که در شرف خرابی بود . از این ساختمان به برج دری وجود داشت که تاریخ آن ۸۹۴ هجری بود . «۸۰» در همین میدان در چند قدم دورتر از آنجا بنای امامزاده یحیی واقع است که دارای برج بلندی است و به رأس مخروطی منتهی میشود . بنای دیگری هم در کنار آن ساخته اند . يك صندوق چوبی منبت کاری بر مقبره های یحیی و حسین فرزندان امام موسی کاظم و خواهرشان سکینه

زین العابدین  
 ۱۰  
 ۵

دیده میشود .

بقعهٔ ملامجدالدین در بیرون شهر در کنار راه فرح آباد واقع است و رقعهای بامضای امام جعفر بتاریخ ۱۰ شوال ۱۳۳۳ هجری در آنجا هست ، مشعر بر اینکه به مجدالدین مکی دستور داده شده بود که به ساری و آمل رفته اهالی آن بلاد را بدین اسلام ارشاد نماید «۸۱» . دارالحکومه بوسیلهٔ آغا محمد خان قاجار در محل قصر سابق شاه عباس ساخته و قسمتی از آن بواسطهٔ حریق خراب شد و ملک آرا آنرا تعمیر کرد . در سمت دیگر میدان در مقابل دارالحکومه باغشاه واقع است که سابقاً به باغ ملک آرا معروف بوده . در شمال ساری باغشاه کهنه که شاه عباس ساخته بود واقع است «۸۲» . کوچه های ساری با سنگ فرش شده اند . اما پیاده روها را معمولاً تعمیر نمی کنند و شیب آنها بطرف جوی آبی است که در وسط کوچه هست .

ناحیهٔ ساری یکی از حاصلخیزترین نقاط مازندران است در آنجا برنج فراوان و پنبه و نیشکر نیز می کارند . این ناحیه از رودخانهٔ نکا در مشرق تا رودخانهٔ تالار در مغرب وسعت دارد . ساری تقریباً در وسط راه این دو رودخانه واقع است و از رود تجن مشروب میشود . حوزهٔ ساری از جنوب به سواد کوه و هزار جریب محدود و سواحل بحر خزر حدود شمالی آنست .

بلوکات ساری از این قرارند : بلده ، علی آباد ، پیسه سر ، اسفی ورد ، شوراب ، گللیجان رستاق ، کارکنده ، کیا کالا ، مشک آباد ، نوکنده کا ، ساری رودپی ، سواد کوه و شیرگاه «۸۳» .

بلوک هزار جریب شامل دو قسمت عمده است : یکی چهار دانگه دیگری دو دانگه . میگویند هزار جریب به فخر عمادالدوله پسر امام زین العابدین تعلق داشته . او پیش از وفات املاکش رامیان سد پسر خود که یکی از آنها از مادر دیگر بود تقسیم کرد . بنابراین به دوبرادر تنی با هم چهار ششم یا چهار دانگ و به نابرداری آنها دو

ششم یا دودانگک دیگر رسید . هزار جریب محدود است از مشرق به ساور و دامغان . از جنوب به سمنان از مغرب به فیروز کوه و سواد کوه . از شمال به بلوک متعدد استراپاد و اراضی جلگه مازندران . دودانگه در جنوب چهاردانگه واقع و محدود است از جنوب به کوه بشم که سنگسر را از شهمیرزاد جدا میسازد . از مشرق به کوه دیو تنگه که تا دهکده تودروار دامغان امتداد می یابد . از شمال به بلوک یانسر و از مغرب بوسیله شاه کوه از سواد کوه جدا میشود .

دو دانگه چهار بلوک دارد . پشت کوه ، نهرمان ، بنافت و فریم<sup>۱</sup> . رودخانه دو دانگه از کوههای بشم و جبال مجاور سرچشمه میگیرد و از میان ده پائین کلا جریان دارد و از راه چهاردانگه جاری و در مشرق ساری برودخانه تجن ملحق میشود . چهاردانگه چهار قسمت است یانسر<sup>۲</sup> ، سرخ گریه ، یخ کش و سور تیج یانسر که از اتران کوه در شمال تا شاه در کوه در جنوب وسعت دارد و همچنین از بلوک ساور در مشرق تا سرخ گریه در مغرب ، و به نه بلوک تقسیم میشود بالارستاق ، اتران کوه ،

۱- فریم یا فریم شهر کوچکی بود با حصار آجری شبیه به قلعه واقع در جلگه موسوم به فریم جنب رودخانه اشک . قسمت شمال شرقی آن محل اکنون معروف است به شهر دشت و هنوز آثاری در آنجا هست و این شهر چنان که یا قوت حموی مینویسد در سنه ۶۰۰ هجری قمری مسکون بوده . فریم شامل دو محل بوده جبال دیلم و ناحیه وسیع حوالی ساری . قراه بلوک بنافت جزء فریم بوده بامتجاوز از پنجاه قریه که تمام را فریم میگفته اند . حدود شمالی و غربی فریم دشت مازندران و سواد کوه و حدود شرقی و جنوبی آن سلسله ای از کوه البرز که از بنافت تا فریم رودخانه سمید آباد امتداد داشته و این رودخانه مرز آن با هزار جریب بوده است . احتمال قوی اینست که شهر فریم در زلزله بزرگ حدود ۷۰۰ هجری ویران شده باشد . دهات پر جمعیت آن در آن زمان از قبیل بولا و قریه های مخروب اساس و کهنه ده و کاگو بودند که اثری از آنها باقی نیست . قراه فعلی آن علی آباد ، پندر ، وادوره ، تراوک ، شل دره ، مرگا بین و رسکتین است .

کوهستانات جنوب شرقی مازندران سه قسمت است . یکی فریم دیگر آسران رستاق سوم هزار جریب که در قدیم و نداد نام داشته بعد این اسم متروک و بزبان مازندرانی هزارگری شده که بعد از تخریب بصورت هزار جریب درآمد ، این ناحیه هزار جریب وسیع تر و پر جمعیت تر از فریم و آسران رستاق بوده است و در زمان میر عمادالدین مرعشی متجاوز از دویست قریه داشته . چهارده کلاته هم جزء هزار جریب بوده و میر عمادالدین مزبور نوزدهمین نفر از اعیان امام موسی بن جعفر است . ( نقل از قول مرحوم سید حسین بنافتی - مترجم )

۲- یانسر ظاهراً از محلات سرخ گریه است . در چهاردانگه پشت کوه و زرکوه ابواب جمعی سورتمی ها

است . ( مترجم )

انزان پشت آب، غلامی، کوهسار، اندرون تنگه، لای، رمدان و برد. مرکز عمده این بلوک یانسر است. در این ناحیه سه کوه است. خوش انگور که حاکم در آنجا خانه تابستانی دارد و برقله آن امامزاده‌ای واقع است. کوه عبداللہی، کیوان کوه میگویند در این محل ۶۸ امامزاده هست.

نهرهای شاه کوه، تاش و چهارباغ از چمن ساور به یانسر و سرخ گریه<sup>۱</sup> جاری هستند و بعد از پیوستن به یکدیگر و زارمرود را تشکیل می‌دهند که برودخانه نکا که بین ساری و اشرف جاری است میریزد. بلوک سرخ گریه که شامل یخ کش نیز هست از جنوب محدود است به کوه تیرپرو و کفتر کلی. از شمال به کوه خوش انگور. از مشرق به خطیر خیل. از مغرب به (ده کلیا) و نهر استالم یا استارم و بچهار بلوک تقسیم میشود: زارمرود، تیرکار، اچ رستاق. بلوک کوچل یخ کش یازده ده دارد.

توانستیم اطلاعات جامعی راجع به سورتج بدست بیاوریم. محل عمده آن کیوسر است و آن دهی است دارای ۲۰۰ خانوار و تابستان‌ها حاکم در آنجا اقامت می‌نماید. اطلاعات مذکور در باب هزار جریب از سر کرده‌هایی که با اطلاع بودند تحصیل شد. ولی با اطلاعاتی که در دفاتر مالیاتی نوشته شده است، تطبیق نمیکند. بموجب دفاتر رسمی مزبور تقسیمات هزار جریب بقرار ذیل است: دو دانگه... بنافت، چهاردانگه، (اچ رستاق)، انزان کوه، بالارستاق، برد، برکا، چالو، درکا، غلامی، کوه سر، کیوسر، لای، مواضع، میان سی، پیرجه، سعیده، سرتیکه، تیرکار، که شامل خاصه رمدانی، و ردیمه، ول ویمه و واری و زارم رود است<sup>۲</sup>. یخ کش جزء اشرف محسوب شده است.

۱- نهرهای مزبور با سرخ گریه ارتباطی ندارند و به زارمرود مربوط نمیشوند (مترجم)  
 ۲- رجوع کنید به ضمیمه اول دهات هزار جریب.

## فصلی هفتم

ساری تا نارنج باغ - پل تجن - امامزاده عباس -  
امامزاده نکا - رودخانه و پل نکا - راه چهارده - نارنج  
باغ - داغمرز - میان کاله - قلعه پلنگان - شبه جزیره  
میان کله (کاله) - داغمرز به اشرف - راه مستقیم از نکا  
به اشرف - اشرف - بنای آن - تاریخ آن - محله های  
شهر - بناهای آنها - نهرها - راه اشرف بشاهرود -  
بلوکات آن - اشرف تا نوکنده - بلندامام - کلباد -  
گلوگا - راه گلوگا به شاهرود - جرکلباد - نوکنده -  
ورود به بندرگز .

۶ دسامبر ۱۸ میل - از میان رودخانه تجن عبور کردیم زیرا دوتا از هفده طاق پل  
بزرگی را که آغا محمد خان قاجار در نیم فرسخی ساری بر تجن ساخته بود بهار سال  
قبل سیل برده بود . تجن رودخانه زیبایی است بستر آن سنگ وریگ فراوان دارد .  
این رودخانه از کوههای بین پلور و فولاد محله سرچشمه میگیرد . ابتدا دشت هزار  
جریب را مشروب ساخته در یک فرسخی شهر وارد جلگه ساری و در ۱۸ میلی ساری  
در فرح آباد بدریای خزر وارد میشود . رویهمرفته تقریباً ۱۸ فرسخ طول آنست . در  
کنار پل کنونی آثار پایه های پل قدیمی هست که میگویند شاه عباس ساخته بود .  
این پل در نزدیکی رودخانه ده آزاد کله واقع است و امامزاده عباس در آنجا است .  
این امامزاده دوجفت در دارد که بطرز جالبی منبت کاری شده است . بر بالای درخارجی



کتیبه‌ای بود که نام واقف آنرا آقا حسین و نجارش را بهرام ساروی مقیم اسکند آباد و تاریخ آن جمادی الثانی ۸۹۷ هجری را در یک ماده تاریخ ذکر نموده است. بر صندوق چوبی که در روی قبر بود آیاتی از قرآن نوشته شده است. نام واقف آن سید مرتضی بن علی بن شمس الدین بن عبدالصمد بن شمس الدین و نجار آن بهرام نام بود.

پس از عبور از بلند اوجا و ده زغال چال و هولا که در سمت چپ ما واقع و متصل <sup>است</sup> به تپه‌هایی بود که در این حدود کوتاه و وصل بجاده‌اند به محلی که قبر خاتون نام داشت رسیدیم. سمسکنده در حدودش میلی شمال شهر ساری است. از جاده شاه عباسی که در این ناحیه کنار تپه‌ها است و اراضی ناهمواری که میان جنگل است راه خود را تعقیب نمودیم و بیک بنای مکعب آجری بنام شاطر گنبد رسیدیم. از نهر بادله و تپه‌های جنوب شرقی که محله لالیم ده آنجا واقع است از پل آجری عبور کردیم. دهکده سورک در سمت چپ جاده بود. بر تپه‌های طرف راست ما دهی بود موسوم به داراب کلا که از آنجا نهری بنام خوره «۸۴» که پل آجری داشت می‌گذشت. بر تپه‌هایی که تخته سنگ‌های بلند دارند ده اسرم تقریباً در یک میلی جنوب جاده واقع شده است. پشت دهات اسکم و بادله تپه‌های ولیجه و قدری دورتر تخت رستم تپه‌ای در طرف چپ جاده و نیم فرسخی مغرب نکا بود. اما مزاده نکا که مدفن سید عبدالحمید بن میرتوانی است بنای کوچکی است که بام سفالی و دو اطاق دارد. مقبره در اطاق درونی است در آن بطرز زیبایی نجاری شده و بدستور درویش سکندر بن عزالدین معروف به الخدا و بدست استاد حسین بن احمد الرازی ساخته شده است. تاریخ کتیبه اول محرم سنه ۸۷۰ هجری است.

پس از پیمودن بیست دقیقه راه که میان گندم زار و توستان بود بساحل چپ رود نکا که پل آجری بزرگ با دو طاق داشت رسیدیم. قدری بالاتر رودخانه بعد از الحاق دو نهر شمشیر بر نام می‌گیرد. نهری که از سمت شمال می‌آید از کوه‌های

شاوړ و بلمبران و سپاهمر کوه در حدود سه فرسخی شمال غربی بسطام سرچشمه میگیرد. رودخانه‌ای که از سمت جنوب جاری است، از شاه کوه فرو میریزد سپس نهر بر کوه از طرف چپ لولیان (لودیان) از سمت راست و همچنین تورودبار از سمت چپ به نهر شمشیر بر میریزند. از اینجا رودخانه به اسپ و نیزه معروف است که پس از الحاق چندین نهر دیگر بخصوص شعبه‌ای که از تنگه شوراب به آن میریزد از سمت جنوب غربی داخل جلگه نکا میشود بعد مسیر خود را از جنوب شرقی<sup>۱</sup> بسمت شمال غربی تغییر داده بصورت چهار شاخه وارد دریای خزر میگردد.

شب را در نارنج باغ ماندیم و آن دهی است دارای ۲۰ خانوار و از محلات نکا است. از نکا به رادکان ۴۰ میل، به اسپ و نیزه ۵ میل رسو ۳ میل راه است. جاده از تنگه‌های تمش تنگ و شمشیر بر از میان جلگه وسیع و همواری بطرف کشته دشت که در پنج میلی و نیمی واقع است، در دو میل دورتر سر هلاله (ارتفاع ۶۵۰۰ پا) و بعد چهارده در ۴ میلی که جمعاً ۵۹ میل و نیم است امتداد دارد. ۷ دسامبر ۱۵میل - در سمت راست خود اسملی و بعد در طرف چپ علی کنده و نیز امامزاده شازدان را که در مسافت یک میلی واقع بود مشاهده کردیم. سپس به ده سیاوش کلا آمدیم و بعد از یک ساعت پیمودن راه از نارنج باغ، قریه طوسکلا در سمت راست جاده نمودار شد و یکساعت بعد ولی نوا، ده بعدی خورشید بود. از اینجا راه از میان جنگلی که درختان بلند داشت و گاهی نیز از کنار یک مخزن قدیمی بنام باقلی آبندان میگذشت. ما بسمت شمال شرقی<sup>۲</sup> در حرکت بودیم. نهر کوچکی بی نام حد محل زاغمرز است که مسکن طایفه عبدالملکی است. از عبدالملکی کیله که شعبه کوچک رودخانه نکا است عبور نمودیم. پس

از خروج از جنگل راه ما از میان مزارع پر حاصل سرخس بود. بعد از عبور از ده تازه آباد کلک به داغمرز رسیدیم که در آنجا قاسم خان هژبر خاقان رئیس ایل عبدالملکی از ما با مهربانی بسیار پذیرایی کرد.

۸ دسامبر ۱۴میل- از بیابان بی آب و علفی بنام صحرای شاه حسین که از دهانه توسکارود تا یک میلی داغمرز و هشت میلی پلنگان وسعت دارد، عبور کردیم. در مشرق توسکارود مراتع یک توت و کشاده و یک ورپو (پو=مرداب) و شیرخان لپو واقع اند. بعد از کنار درختی عبور کردیم که در پای آن نهر کوچک چشمه سر یا ملاصادق جاری بود. شبه جزیره میان کله از اراضی نزدیک داغمرز بسمت مشرق تا سی میلی دریا جریان دارد و به شبه جزیره اشوراده منتهی میشود که زمین شن زاری است و عرض آن از سه یا چهار میل تجاوز نمی کند و از طرف شمال به چند تپه شنی محدود است که در ماورای آنها درختان انار و بیسه های خاردار هست که آن محل را غیر قابل عبور می نماید و در نزد اهالی اینجا و اهالی استرآباد به تلو معروف است. در جنوب آن اراضی باتلاقی و نیزار است. قسمت جنوب شرقی شبه جزیره مزبور مضرس است. چندین شاخه کم عمق از آب دریا در ساحل نفوذ نموده « ۸۵ » و چند درختی که در شبه جزیره هست شاخص حدود بین محلات است. چنان که یک درخت علامت سامان یعقوب لنگه و یک درخت بلند انجیر کهن نشانه مرز پلنگان میباشد.

قلعه پلنگان « ۸۶ » که در یک ساعت و سه ربعی داغمرز واقع است در کنار غربی شبه جزیره ساخته شده است و هشت ضلعی است با برجی در طرفین آن. فاصله بین برجها هشتاد قدم است. بفرمان ناصرالدین شاه تا سال ۱۹۰۱ میلادی ۳۵ نفر سرباز از پادگان اشرف در این قلعه برای حفاظت قشون شاهی و مقابله با حملات دزدان ترکمن پاسداری میکردند. در آنوقت شکار کردن و گله داری در شبه جزیره ممنوع

بود. در زمان مظفرالدین شاه رفت و آمد به میان کله آزاد شد. این شبه جزیره موقع زمستان چراگاه ممتازی برای گاو میش های انزان و فرح آباد است.

از طرف دیگر قلعه پلنگان مخزن آب پلنگان (پلنگان اسل - اصطلاح) واقع است که برای آب دادن گله ها بکار می رود سپس از کنار درخت انجیر با عظمتی بنا می آید. در میان مرتع چنگور واقع بود و آن محل از آن درخت نام گرفته بود عبور نموده به داغداغان اسل که مخزن پراز گل سیاه کشیف بوده رسیدیم. شب را در آنجا چادر زدیم. شبه جزیره میان کله پراز حیوانات شکاری مانند مرال، گراز، قرقاول، یلوه (کفات) مرغابی و غیره است. بواسطه وفور آنها هنگام شب صدای مرغابیها بقدری زیاد بود که ما را از خوابیدن باز داشت. از توسکاین که در یک میلی ذاعمرز است تا پلنگان تقریباً دو فرسخ راه بود. بعد ما به گواسل (گاو اصطلاح) رسیدیم و از تنگه مقیمی که کم عرض ترین قسمت شبه جزیره است و گو کله شور (گو کله شور یعنی گودی کله گاو. این نام از آن روست که آنجا بقدری پر گل است که قابل عبور نیست و گاو میش داران برای جای پا ناگزیرند که کله گاو مرده جستجو نمایند و بکار برند) گذشتیم. این ۳ میل و لله و نکه و خرما ۴ میل (میگفتند سابقاً در اینجاشهری بوده است). از خرما تا سرتوک تقریباً ۴ میل و سرتوک که در ۲ میلی «۸۷» انتهای شبه جزیره است و میگفتند ممکن است از آنجا به آشوراده رفت چون آب بین میان کاله و جزیره آشوراده در هیچ نقطه عمق زیاد نداشته است. سابقاً در سرتوک قلعه ای بود که بامر ناصرالدین شاه ساخته بودند و تا حدود سال ۱۹۰۳ بوسیله سربازانی که از پادگان اشرف می آمدند پاسبانی میشده است.

۱۲ دسامبر ۷ میل - بعد از عزیمت از ذاعمرز ما از زینوند و امیر آباد گذشته و از نهر کفترخان بوسیله پل آجری به نهر چهار امام رسیدیم «۸۸». قدری دورتر نزدیک پل آجری امامزاده چهار امام که بنای مکعب کوچکی بابام سفالین و اطافی

بیرونی و درونی است واقع بود. در آنجا جاده از میان صحرای وسیع علفزاری میگذشت و قسمتی از آن نیز باتلاقی ولی بیشتر اراضی چمن زار و حاصلخیز بود. صحرای مشابهی بین فرح آباد و ذاعمرز بوده و بموجب نقشهٔ دمورگان شامل نقاط ذیل است: اتار مرزچل، لله مرزچل، سه‌پشته چل، زلانکوتی چل، موزک چل. در سمت جنوب هم میتوانستیم دو تپهٔ سرخ دیم و امامزاده تقی را مشاهده کنیم «۸۹».

قراتپه ۱۶۰ خانوار جمعیت دارد که مخلوطی از افغان و گیلک است و برتپهٔ بزرگی ساخته شده است. در سمت غربی آن بهرام علی کیله جاری است که پلی بادو طاق دارد. در جنوب انرپ کیله واقع است که پل پنج طاقی دارد. در شمال قراتپه، تپهٔ دیگری است بنام شالتپه یا شغال تپه. قراتپه بندرگاه کوچکی در خلیج استرآباد دارد که دومیلی شمالی آن واقع و موسوم به کناره است. از قراتپه به اشرف شش میل است. در نزدیکی تروجن از نهری بهمین نام عبور کردیم و به جادهٔ شاه عباسی رسیدیم. چند خانه و امامزاده زیروان و محلی موسوم به قادری کیاب که بر بالای آن در محل بلندی خرابه‌های صفی آباد واقع بود در راه مشاهده نمودیم. مکنزی که مسافت نکابه اشرف را از راه معمولی رفته بود نقل می‌کند که از قزلی در دامنهٔ تپه‌ها از روی پلی که بر رودخانه نکا است سواره به بلوک میاندورود رفته و در سمت چپ او نارنج باغ و عمارتس واقع بوده و از چندین رودخانه عبور کرده بود و برودخانهٔ کوچکی نزدیک چال پل رسیده که در سمت راست او واقع بوده است. قدری دورتر در طرف چپ ده میان کلا و اندکی بالاتر شیطان محله واقع بود. نزدیک ده شورابسر چشمهٔ آب شوری است. در آنجا تمام روز را باید از دامنهٔ تپه‌ها راه پیمود بعد از شورابسر در سمت چپ دهی بود دارای ۹۵ خانوار جمعیت موسوم به کلیت. در اینجا بلوک پنج هزار شروع میشود. در شمال جاده محلهٔ رستم کلا و گرجی محله واقع اند. بعد از نهر کوسان «۹۰» عبور نمود و تا تروجن راه از میان انارستان و توتستانها بود.

اشرف با عرض جغرافیائی ۳۶ درجه و ۴۱ دقیقه و ۵۵ ثانیه شمالی و طول جغرافیائی ۵۳ درجه و ۳۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه شرقی در پنج میلی دریای خزر و در کنار کوهستان واقع و در سمت جنوبی آن درختان بلند بسیار فراوان است. در طرف شمال شهر منظره دلپذیری است، تا کنار خلیج استرآباد. چشمه های متعددی که از کوهستان جاری اند در میان شهر جریان دارد. اشرف که اکنون روبرویرانی است عظمت خود را مدیون شاه عباس صفوی است. انحطاط این شهر در واقع با سستی کار خاندان صفوی شروع گردید. این شهر سابقاً خر کوران نام داشته و به پیرزنی متعلق بود و شاه عباس آنجا را از او خریده و شهر جدید را در سنه ۱۰۲۱ هجری تأسیس کرد (از ماده تاریخ دولت اشرف استخراج شده است.) و در زمان ندران اقامتگاه خود ساخت قصرها و باغات بسیار در شهر برپا کرد. اشرف از جنگ های داخلی و حملات ترکمن ها صدمات بسیار دید و در دوره حکومت افغانه در ایران خراب شد باز وقتی که لشکر زندیه به مازندران آمد لطمه دید.

کملن مینویسد قصد شاه عباس این نبود که شهری بزرگ یا قصری مستحکم در آنجا بسازد. فقط میخواست از زیبایی و صفای روستایی که طبیعت در آنجا فراهم ساخته بود، بهره مند شده باشد. بنابراین اشرف ابتدا فقط مرکب از يك عده خانه های روستایی بود که بدون هیچ ظرافتی در جلگه همواری ساخته شده بود. در فاصله میان آن خانه ها جنگل هایی بود که مقداری از آنها با مزارع در اطراف قصر شاهی واقع و قسمتی هم در کنار جاده سر راه ساری پراکنده بودند. هنگام مسافرت کملن فقط چند کلبه مخروب در اشرف بود و قصور سلطنتی جای حیوانات وحشی شده بود و باغات باشکوه آن بصورت بیشه زار در آمده بود و عبور از میان آنها نسبتاً غیر ممکن بود «۹۱».

نادرشاه در موقع جنگ با لزگی ها مدتی در آنجا ماند عادل شاه که جانشین او

شد گاهی به اشرف میرفت اما بعد از مرگ او این قسمت از ایران بیشتر کمین گاه اشراری بود که دستشان به آنچه میرسید ازین میبردند ولی محمد حسن خان علاقه بسیاری نسبت به اشرف داشت و غالباً در آنجا اقامت میکرد و تعمیرات مهمی در عمارات سلطنتی آنجا نمود. محمد خان سواد کوهی که در حکومت مازندران جانشین نظر خان زند شد و بواسطه خیانت او محمد حسن در قراقرم مغلوب و مقتول شد و آن موقعی بود که او بجای نظر خان زند حاکم مازندران شده بود، برای تأمین جان خود اشرف را به خرابه‌ای تبدیل کرد، وساری نیز بهمین سر نوشت دچار شد. بهانه او برای خرابی‌های بیمورد این بود که دیگر تر کمین‌ها با سانی نتوانند بسایر نقاط مازندران دست یابند. بعد از آن که او بامر کریم خان استحکاماتی در مشرق کلباد از کوهستان تادریا جهت دفاع در برابر تر کمین‌ها برپا ساخت دوباره به تجدید بنای فرح آباد و علی آباد و ساری پرداخت. ولی برای ساختن اشرف که تقریباً غیر مسکون شده بود کاری نکرد تا آنکه آغا محمد خان قاجار از شیراز فرار کرد و به استرآباد آمد و مردم را به تعمیر کردن اشرف تشویق نمود. از آن موقع اشرف آبادانی سابق خود را باز یافت هر چند که دیگر مقامی را که سابقاً داشت و مقدر دربار ایران شده بود پیدا نکرد.

سکنه اشرف از نژادهای مختلفند. در آنجا بازماندگان يك عده مهاجران گرجی که شاه عباس از قفقاز آورده بود و عده‌ای خانواده‌های طالش که از کناره دریا نزدیک لنکران آمده بودند و عده کمی تات که يك قبیله ایرانی هستند، و خانواده‌های گودر اقامت دارند. اشرف در سال ۱۸۵۹ مسیحی ۸۴۵ خانوار جمعیت و ۷۰ دکان و ۴ محله، چهار مدرسه و پنج حمام و پنج مسجد و پنج تکیه و يك امامزاده داشت. اکنون هفت محله دارد: نفاش محله، بازار محله، گرجی محله، فراش محله، که شامل چشمه سر، باغشاه، طالش محله یا کالش محله است با طالش محله دیگر و

گریلی محله مجموع تعداد خانه‌ها را می‌گفته‌اند بالغ بر هزار است. ولی بسیاری از سکنه فقط زمستان در آنجا مسکن دارند. شهرسه بازارو ۱۵۰ دکان و ۴ کاروانسرا و ۶ حمام و ۱۰ مسجد دارند که عبارتند از مسجد جامع، مسجد باشی، مسجد گلشن بامدرسه، مسجد چال، مسجد آخوند، مسجد دارالشفا، مسجد کرجی، مسجد سرآبدنگ، مسجد ارباب بامدرسه، مسجد نصیرخان و شش تکیه، تکیه باشی، تکیه بازارمحله، تکیه قتل گاه، تکیه کرجی، تکیه ارباب، تکیه نصیرخان «۹۲» و پنج آب انبار دارد.

اشرف و حوالی آن از نهرهای برزو و سارو که از عباس آباد فرو می‌ریزند «۹۳» و همچنین از رودخانه‌های کوچک خلیل‌محله و رباط که از کوه‌های یخ کش سرچشمه می‌گیرند مشروب میشود. مزارع نزدیک از سرچشمه‌ها و انبارهای آب سیراب می‌کردند. جلگه اشرف بخصوص در بهار بسیار باصفا است. در این فصل چمنزارهای آن مانند بسو (برسو) سوزدیم، پلهم کویی و جنگ دین و ور که خوسه پر از اقسام گلپای صحراپی است.

راه اشرف تا شاهرود پنج منزل است: کلوکا، نیالا، رادکان، تاش، شاهرود. بنا بر قول اهالی مسافت آن ۲۷ فرسخ و نیم است. از اشرف تا نیالا جاده در امتداد یک خط فرعی از شاهرود معروف است. از آنجا به بعد راه کوهستانی است. شاه کیله که بندرگاه اشرف و در کنار خلیج استرآباد واقع است ۵۰ خانوار جمعیت دارد. ناحیه اشرف از جنوب به کوه‌های هزار جریب و از مشرق به انزان از مغرب به میاندورود و از شمال دریای خزر و خلیج استرآباد محدود است. اشرف دارای بلوک ذیل است: بلده، قراطغان، کلباد، پنج هزار و یخ کش<sup>۱</sup>.

۱۴ دسامبر ۱۴ میل و نیم - از جاده شاه عباسی حرکت کردیم. پس از عبور از

۱- رجوع کنید به ضمیمه اول: دهات اشرف.



پلی کهنه که بر بستر عمیق سیلگاهی واقع بود به تپه‌ای رسیدیم . در يك میلی بیرون شهر دهی بود موسوم به آلتپه که ۴۰ خانوار جمعیت داشت . ده بعدی سارو بود که بارگاهی داشت . مدفن امامزاده عبدالله شامل برجی است و اطاق چهار ضلعی وصل بآن که بامی سفالین دارد . بعد از سارو در يك میلی آنجا بنای سفیدی بنام بقعه آقا سید حسن در پاسندوران در سمت چپ ما واقع بود و کنار جاده به امامزاده دختر امام رسیدیم دهات بعدی وله موزی ولمراسک بود. در ۱۲ میلی اشرف امامزاده بلند امام واقع بود کتیبه‌ای در آنجا بتاریخ ۸۷۳ هجری حاکی است که در آن بامر سید زین العابدین بن سید اسمعیل بدست حسین بن استاد احمد نجار ساروی ساخته شده بود . از ده و نهر سراج محله و دهکده بزرگ و نهر تلینو و ده تیرتاش که بر شیب تپه‌ای واقع است عبور نموده به خورشید کلا که در چهار فرسخی اشرف و جزء کلباد است وارد شدیم «۹۴» .

بلوک کلباد از يك فرسخی بلند امام در مغرب تاجر کلباد در مشرق وسعت دارد و دارای ۱۰ دهکده است . زمین در این ناحیه نسبتاً هموار و مزروع و کوهها پر از جنگل است ، در صورتی که جلگه از وجود درختان پاك شده است و تا سواحل دریا اراضی بکلی عاری از درخت است . ده بعدی کلوکا ، و آن دهکده‌ای بزرگ است دارای ۶۰۰ خانوار جمعیت ، پنج مسجد یا تکیه : مسجد ملاعباس ، تکیه آقا ، مسجد حاجی فرج ، تکیه قویچی ، مسجد گلشن و چهار حمام است . اهالی از طایفه امیرانلوی ترک‌اند . در کلوکا نه قبیله اقامت دارند که محلات آنجا بنام آنها است .

بلارنبرگ<sup>۱</sup> سیاح مینویسد بموجب اظهارات سکنه بیست سال پیش از سفر او که در سال ۱۸۳۶ مسیحی اتفاق افتاد آب دریا تمام اراضی ساحلی را فرا گرفته تا تپه قرادوین که در نزدیکی آن محمد حسن خان قاجار بقتل رسیده بود

سرایت کرد. کنت وینوویچ بسال ۱۷۸۲ در آنجا برجی ساخت. از گلوگا به شاهرود راه کوهستانی است و مسافت آن از این قرار است: از معبری که بارتفاع ۵۰۰۰ پا است ۵ میل، بر کلا ۳ میل، رادکان ۴ میل، اسپ و نیزه (که در دو میلی جنوبی حاجی آباد واقع است) ۸ میل، تنگ لودیان  $۲\frac{۲}{۴}$  میل، برزندی  $۶\frac{۲}{۴}$ ، دو آب برزندی  $۱\frac{۳}{۴}$  میل، شاه کوه پائین  $۲\frac{۱}{۴}$  میل، تنگ چلچیان ۸ میل، از گنداب تا رباط تاش  $۷\frac{۱}{۴}$  میل، کلانه  $۱۴\frac{۱}{۴}$  میل و شاهرود  $۵\frac{۱}{۴}$  میل جمعاً در حدود ۱۶ فرسخ است ( $۶۵\frac{۱}{۴}$  میل). از گلوگا راه خود را از میان جنگل تعقیب نموده به جر کلباد آمدیم که مرز ایالت مازندران است و حصارى بلند و خرم و نیز خندقی در سمت شرقی آنست که از دامنه کوهستان و میان جنگل و مجرای باتلاقی بساحل دریا میرسد. این حصار چند سال پیش از سفر کلمن ۱۷۷۱ مسیحی بآن حدود فرمان محمد خان سواد کوهی حاکم مازندران برپا شد تا از هجوم تر کمنها به مازندران جلوگیری شده باشد. در این خط بین کوه و دریا نه برج وجود داشت.

تقریباً يك فرسخ از جر کلباد دور شدیم ابتدا به لیوان بعد تلور و سرانجام به نوکنده رسیدیم. نوکنده مرکز عمده انزان و آن ده بزرگی است که میگفتند ۶۰۰ خانوار جمعیت داشته و سکنه آن بدوا زده طایفه تقسیم میشوند: منوچهری، کرد، بوعلی، نظر (که متعلق به خانهای محل است)، مازندرانی، جهانشاه، کشیر، شربتی، آهنگر، شهاب و قاجار. تلور و مزنگ جزء نوکنده اند. سکنه تلور بچهار قبيله منسوب میباشند: آهنگر، رودگر، منوچهری و کلا کرد. سکنه مزنگ به قبيله های حاجی باغ، لر، سادات و سورتجی تعلق دارند. جنگل آن خیلی زیبا است و به ملومزنگ معروف است. جنگل بین نوکنده و کرد محله مشهور به قره جنگل است. از نوکنده راه باریکی به وزدار و رادکان میرسد. این راه در حدود ده میل است.

۱۵ دسامبر ۴ میل - پس از عبور از رودخانه‌های نوکنده و جفاکنده به بندرگز آمدیم (که زمانی کناره نامیده میشده است). این راه را سواره در ظرف يك ساعت ونیم پیمودیم و از کنار مزارع برنج و پنبه گذشتیم

www.tandis.de  
تندیس

۱- رجوع کنید به «گزارشی دربارهٔ بازرگانی و وضع کلی شهر و ایالت استرآباد»

( Report on the Trade and General Condition of City and Province of Astarabad )

بقلم مؤلف در گزارشی دیپلماسی و کنسولی شماره ۴۲۸۱ ص ۷-۸ .

## فصل هشتم

خلیج استراباد - کنت وینویج - رودخانه‌ها -  
عاشوراده - گز - بلوکات انزان و تعریف آن - از گز  
به کفشگیری - خرابه شهر - همیشه - کردمحلّه - بلوک  
سدن رستاق - نهرها - امامزاده روشن آباد - از کفشگیری  
به استراباد - استراباد - اصل آن - تاریخ آن - تعریف  
مقدسی - موقعیت آن - دیوارها و دروازه های شهر -  
محلّه های آن - بناها - مسجد جامع و کتیبه آن - عمارت  
حکومتی - سکنه شهر .

خلیج استراباد بی خطرترین انگر گاه دریای خزر است . از سمت شمال  
محدود است به شبه جزیره میان کله (کاله) (روسها آنرا پوتمکین می نامند) و جزیره  
عاشوراده طول خلیج ۴۲ میل و عریض ترین قسمت آن در طرف شرقی تقریباً دو فرسخ  
است . عمق آن هر چه به مغرب نزدیک تر میشود رو بکاهش میرود . می گفتند که  
از مساحت آن در ظرف ۶۰ سال اخیر بسیار کاسته شده است . بر طبق شرحی که  
بوشین نوشته است نهرها و رودخانه های ذیل وارد خلیج استراباد میشوند : قره سو ،  
باغو یا سیاه جو ، سر محلّه ، ولفرا ، گز ، هشت یکه ( یخه ) ، جفا کنده ، مزنگ ،  
نوکننده ، نجار کلا ، لیوان ، جر کلباد ، خورشید کلا ، سراج محلّه ، کلا کیله ،  
شاه کیله ، ملا کیله ، کاظم کیله ، قره تپه ، بهرام علی کیله ، سور گنجه کیله ،  
چهار امام ، کفترخان ، کپور برون . تمام این نهرها از رشته های جبال جنوبی دریای

خزر سرچشمه میگیرند . دو رودخانه که نسبتاً بزرگترند یکی قره سو و دیگری باغو است .

عاشوراده یا جزیرهٔ عاشور سه جزیره اند یکی بزرگتر دیگری متوسط و سومی کوچک ولی جزیره کوچکتر که در سمت شرقی دو جزیره دیگر واقع است، اینک بزرگترین آنها است و ده تا پانزده کلبهٔ ماهیگیران در انتهای غربی جزیره هست. جزیرهٔ متوسط غیرمسکون و سومی که اسماً بزرگتر و درحقیقت کوچکترین آنها است ایستگاه بحری روسها است . در سال ۱۸۴۱ مسیحی کنت مد' وزیر مختار روس از شاه ایران اجازه گرفته بود که روسها جزایر عاشوراده (اشوراده) را اشغال و پایگاه دریایی بسازند و آنجا را برای جلوگیری از تجاوزات تر کمنها مورد استفاده قرار دهند . در سال ۱۷۸۱ کنت وینوویچ بفرماندهی یک دسته کشتیهای جنگی روس مأمور شد که مرکز در جنوب شرقی دریای خزر تأسیس نماید . وی اشرف را برای این منظور انتخاب کرد و به قدری به انجام این کار اطمینان داشت ، که نام این شهر را تغییر داد و بر آن اسم ملی سوپل یعنی شهر زنبوران عسل گذاشت و از ادارهٔ نظارت نشانهای رسمی پترزبورگ برای شهر جدید نشانی گرفت .

ولی آغا محمدخان از اشغال اشرف بوسیلهٔ کنت مزبور جلوگیری کرد . در نتیجه او ناگزیر شد نقشهٔ خود را تغییر دهد و بجای آن برجی در قرادوین نزدیک کلوکا بسازد . در واقع میخواست ایستگاهی دائمی در یکی از جزیرههای خلیج «۹۵» استرآباد برپا کند و بنا بود نام آن ملی تونیس یعنی «جزیرهٔ زنبوران عسل» باشد . دربارهٔ این موضوع که چگونه آغامحمدخان ناخدای روسی وزیر دستانش را به استرآباد دعوت کرد و در آنجا زندانی نمود تا او به کشتیهای خود فرمان فرستاد که بناهایی را که ساخته بودند خراب کنند فورستر که چندی بعد از آن وقایع

به مازندران سفر کرده بود شرح جامعی نوشته است.<sup>۱</sup>

گز که در دومیلی ساحل خلیج استرآباد واقع و به اتران متعلق است نه محله دارد: کوی خیل، تمیسکانه خیل، بادخیل، کردخیل، بای خیل، کردخیل دیگر، محله شاه، کوه صحرا، شاهپسند که میان جنگل واقع است و فعلاً مسکون نیست، گز ۴۵۰ خانوار جمعیت دارد و تا پنج سال پیش (یعنی در حدود ۱۹۰۴) قسمت عمدهٔ سکنه آن اسب‌دار بودند و بین‌بندر گز و استرآباد چاروداری میکردند ولی اخیراً متوجه شده‌اند که سود پنبه‌کاری بیشتر است و بنابراین اسب‌های خود را فروخته‌اند.

اتران<sup>۲</sup> در مغرب ایالت استرآباد واقع است. وسعت آن از شمال بجنوب ده‌میل، از مشرق به مغرب ۱۲ میل است. از سمت شمال محدود است به دریای خزر، از شمال شرقی به دشت یموت، از مشرق به سدن رستاق که بوسیلهٔ نهر کرد محله از آن جدا میشود، از جنوب به سدن رستاق و هزار جریب از مغرب به جر کلباد. جمعیتش کم و از قسمت دیگر مازندران پر جنگل‌تر است و از چندین نهر کوچک که از کوهستان جنوبی سرچشمه میگیرند مشروب میشود مانند نوکنده، جفاکنده، گز، ولفرا، سر محله، سرطاق، کلفرا، باغو و کارکنده. دهاتش در میان جنگل از نظر پنهان‌اند و با آنکه مقداری از این جنگل‌ها را برای کسب و زرع از زمین برده‌اند بازچندان تأثیری در وضع آنها ننموده است. بیشتر اهالی آنجا در فصل گرما به بیلاقهای هزار جریب میروند و دارای امامزاده‌ای است بنام سفیدچاه که معمولاً هر سال سکنهٔ محل چند روزی را در آنجا میگذرانند.

۱- رجوع کنید به کتاب « مسافرتی از بنگال به انگلستان » (A Journey from Bengal to England)

۲ج ۲۲۵ - ۲۲۷ جلد دوم و نیز به سفرنامهٔ درن ص ۱۲۷-۱۴۰

۲- رجوع کنید به ضمیمهٔ اول دهات اتران.

۱۶ دسامبر ۱۶ میل - راه ما در امتداد جساده شاه عباسی بود. از بستر خشک رودخانه‌ها و سیلگاه‌های گز (که مسیرش در آنجا پایان می‌رسد) و لواری که از وسط ده و لفر می‌گذرد و بعد از سر محله و دهکده باغو واز می‌آورد که بعقیده من همان نهر کارکنده است عبور کرده، به امامزاده ای رسیدیم که نسبتاً بزرگ بود و آنرا در نقطه ای که «خرابه شهر» نام داشت ساخته بودند و محصور به قبرستان وسیعی بود.

کتیبه ای بر در امامزاده بود حاکی از این که آنجا مقبره امامزاده قاسم است و بامر محمدقلی بیگ نام تحت نظارت شیخ استاد نیارک تجار تعمیر شده است تاریخ کتیبه سنه ۱۱۲۴ هجری بوده است.

بعد از بررسی دقیق تاریخ دشت مازندران من باین نتیجه رسیده ام که اینجا محل شهر قدیمی همیشه «۹۶» اقامتگاه فریدون بوده است که قصر او تا زمان ابن - اسفندیار در محلی موسوم به بانصران دیده می‌شده است. بعلاوه گنبدها و آثار حمام با خرابه های خندقی که بدستور او از کوهستان تا دریا ساخته و کنده شده بود، در آنجاست. این خندق را برای حمایت مازندران در برابر حمله قبایل توران ساخته بودند. دهات شرقی و شمال شرقی آن بیرون همیشه نام داشته. بگفته ظهیرالدین بیرون همیشه همان استراباد است. باروهای همیشه بفرمان مازیار بن قارن خراب ولی بعداً دوباره ساخته شد. تاریخ ویران شدن همیشه روشن نیست، با آنکه دلایلی هست که حدس بز نیم آن واقعه در موقع هجوم مغول اتفاق افتاده است. اسپهبد بهرام (۵۱۲ هجری) برادر زاده خود رستم بن دارا را يك ماه تمام در همیشه محاصره کرد و بالاخره جنگل را آتش زد تا او را ناچار به تسلیم کند. اما رستم بقدری مقاومت نمود که آتش بدروازه شهر رسید و او به سی‌رستاق و پنجاه هزار فرار کرد. در حدود صد متر دورتر از خرابه شهر رودخانه کوچک الوند کیا واقع است

« ۹۷ ». از خشکفل که بستر عریض نهر شیرداربن است و همچنین از رودخانه شش دالک عبور کردیم . کرد محله که در سر راه ما واقع بود محله عمده سدن رستاق است و ۷۰۰ خانوار سکنه دارد و در میان جنگل انبوهی در ۱۶ میلی استر اباد واقع است . بندر کوچکی دارد بنام ملا کیله که در سه میلی شمالی رودخانه قراسو است . قایق های تراکمه زیاد بآنجا رفت و آمد دارند نفت و نمک وارد ، و زغال و هیزم خارج میکنند .

سکنه کرد محله به ۳۱ قبیله تقسیم میشوند : آهنگر ، اردشیر ، غریب ، کشیر ، مایاک ، معلم ، سیستانی ، زاهد ، عقیلی ، دلاک ، غلام ، خیشان ، مازندرانی ، نجار ، صلیبی ، زرم رودی ، الوند کیا ، درزی ، حبشی ، کیا ، مهدیان ، پاس ، ترک ، زنگی ، عرب ، کرشاسف ، حسینی ، منوچهری ، مسگر ، رشتی و یزدی که دوتیره از بانفوذترین آنها کیا و عقیلی ( سادات ) اند .

بلوک سدن رستاق که در شهر استر آباد واقع است و از دریا تا دامنه کوهستان امتداد دارد ، محدود است از مغرب به انزان و دریای خزر ، از مشرق به دروازه شهر استر آباد ، از شمال به سیاه آب که شعبه قراسو است ، از جنوب به کتل جهان نما که سر راه هزار جریب است . مسافت آن از مشرق به مغرب پنج فرسخ و از شمال بجنوب دو فرسخ و نیم و شامل اراضی باتلاقی و پوشیده از جنگل است . در آنجا برنج و غلات بمقدار زیاد کاشته میشود . این ناحیه در معرض حملات تر کمن های جعفر بای است که عبه های ایشان در مرز شمالی است و هفته ای نیست که دوسه تن در تصادم بین اهله و مهاجمان کشته نشوند . سکنه آنجا قاجار و سادات و تات ها و ترک های گریلی هستند . نهر های عمده آن از مشرق بمغرب عبارتند از خرابه شهر یا الوند کیا ، کرد- محله ، الوار ، میان دره ، یالو باصت کلا و آب کویان <sup>۱</sup> .

۱- رجوع کنید بضمیمه اول دهات سدن رستاق



پس از کرد محله بازبه جاده شاه عباسی رسیدیم در وسط راه میان کرد محله و کفشگیری دره عمیقی است بنام سیاه دره . در آنجا راه از رود بالا جاده از وسط گندم زارهای چهارده بطرف دهکده الوار امتداد می یابد . بعد از نهر دنکلان و دهی بهمین نام که در سمت چپ ما واقع بود عبور کردیم و میتوانستیم شاه ده را از دور مشاهده کنیم . پس از عبور از بستر خشک سیلگاهی به امامزاده روشن آباد که گورستان بزرگی در آنجاست رسیدیم . این مقبره کنبندی دارد که سابقاً از کاشی آبی پوشیده شده بود اما اکنون استراحت گاه گروه بزرگی از کبوتران است . در آنجا مقبره ابراهیم و محمد ( برادران امام رضا ) نیز هست که درهای آن از چوب کاج و با آیات قرآن بصورت زیبایی مثبت کاری شده بود . صندوق چوبی آن مقبره عمل استاد حاجی عبدالله تاریخ آن ۸۷۹ هجری و خطاط آن نظام نامی بوده . در اطاق درونی عمل استاد کاظم بن علی نیشابوری تاریخ آن اول شعبان ۸۷۷ هجری بوده است . از روشن آباد در امتداد نهر کوچک کفشگیری که شصت کلا « ۹۸ » هم نامیده میشود راه خود را دنبال کرده بدهکده کفشگیری که تقریباً ۲۵۰ خانوار جمعیت داشت رسیدیم .

۱۷ دسامبر ۱۹ میل - بسمت شهر استرآباد که در دو فرسخی ما واقع بود حرکت کردیم ده لمسک و امامزاده پنج تن را که بنای مربع شکل بادواطاق داشت در طرف چپ دیدیم . کتیبه ای بر بالای در ورودی حاکی است ، که امامزاده معروف به پنج تن در سال ۱۲۲۳ هجری بوسیله ملا شمس علی اهل لمسک تعمیر یافت . در ورودی از چوب مثبت کاری ولی از نوع کار بمرا تپ پست تر از سایر کارهایی بود که تا آن زمان دیده بودیم و کتیبه بی تاریخی داشت حاکی از این که آن در ، بامر علی بن شمس الدین ساخته شده و عمل استاد محمد بن یادگار ساروی ساکن حسین آباد بوده و در زیر مقبره ساده چوبی پنج قبر قرار داشت .

بعداز لمسک از ناحیه ای که به صحرای گاو پیچان معروف بود و بعد هم از

دهات زنگی محله و محله او جابن گذشتیم در نزدیکی شهر استرآباد چون بسوی راست نگریم تپه بلندی بود که ظاهراً آثار فرو ریخته و تل خاك شده دژی قدیمی بود که به قلعه خندان و زمانی هم به خلعت پوشان معروف بود این تپه در سمت جنوب غربی شهر واقع و دامنه و رأس آن پوشیده از درختان کوچک و مخصوصاً درخت کیر دوران بوده و بوسیله راه باریک پرییچ و خم با نجامیرسند . این ارتفاع ۶۰ یا ۵۰ پا بالای نهر خطرناک خواجه خضر که از پای آن میگذرد واقع است و از نهر کوچک خواجه خضر که دامنه آن جاری است عبور کردیم . بین قلعه خندان و شهر استرآباد بنای کوچکی بنام قدمگاه حضرت خضر هست . شهر استرآباد در ابتدای دوران صفویه به « دارالملک » معروف بود . علت اینکه این شهر را اکنون دارالمؤمنین میخوانند شاید از آنروست که گروه بسیاری از سادات در آن اقامت دارند .

ابن اسفندیار مینویسد که قاطر داران استر کر کین پسر میلاد مؤسس کرگان بودند . آنها قاطرهای خود را در سرزمینی که اکنون استرآباد است رها میکردند و شهر برای رفع احتیاجات ایشان برپا شد و نام خود را از قاطر (استر) آنها گرفته وقتی که کر کین شهر کرگان را خراب کرد سکنه آن به استرآباد نقل مکان نمودند . بنا بر عقیده دیگر در محلی که استراک نام داشت بوسیله یزید بن مهلب که از سرداران عرب و فرمانده لشکر سلیمان هفتمین خلیفه بنی امیه ساخته شد .

ابوالفداء مینویسد اسم شهر از نام شخصی معروف به استر گرفته شده . حال آنکه در کتاب جامع انبیاء اصل آن به استره زن شاهزاده کیخسرو نسبت داده شده است . هیچگونه تاریخ مضبوطی در باب استرآباد و کرگان « ۹۹ » بدست ما نرسیده و تاریخ عمومی ایران هم اشارت اجمالی درباره این دو شهر دارد و بنا بر این اطلاعات راجع بآن کم و ناقص است .

کلنل لاوت<sup>۱</sup> مینویسد محل شهر بواسطه مزایای طبیعی آن مانند فراوانی آب و موقعیت ممتازی که بین راه های جنوبی و شهرهای قدیمی شمال اترک از جمله مشهد مصریان داشته ، انتخاب شده بود .

مقدسی که از نویسندگان قرن چهارم هجری (دهم مسیحی) است استرآباد را شهر زیبایی وصف نموده که آب و هوای آن از تمام نقاط دیگر آن سامان بهتر بوده است . محصول عمده اش ابریشم بود . در عهد او قلعه در شرف خرابی بود . چون آل بویه در جنگ و جدال خود با آل زیار تمام آن ناحیه را ویران کردند . مقدسی علاوه می کند که مسجد جامع که در زمان فتوحات ابتدایی مسلمین ساخته شده بود در بازار نزدیک دروازه شهر بوده است . امیر ولی ( ۷۴۵-۷۸۸ هجری ) خندقی در استرآباد کنده و پیرک پادشاه ( ۷۸۶ - ۸۰۹ هجری ) برج و بارو برای دفاع شهر ساخت .

شهر استرآباد<sup>۲</sup> در سه میلی تپه ها و تقریباً بیست میلی شمال بندرگز در محل مرتفعی واقع است و محصور از دیوار گلی و خندق و در بعضی نقاط برج های مدور است که سابقاً کاشی کاری داشته است . محیط دیوار شهر تقریباً یک فرسخ و بقدری در تعمیر آن کوتاهی شده است که ترکمن ها هنگام شب بدون زحمت قادرند وارد شهر بشوند . در نزدیکی وسط دیوار شرقی ویرانه قلعه محمد حسین خان قاجار که در عهد نادر شاه حاکم استرآباد بوده واقع است چون شاه ظنین شده بود که او خیال سرکشی دارد فرمان به خراب کردن قلعه داد .

شهر پنج دروازه دارد که همه در وضعی خراب اند : دروازه بسطام در مشرق ، چهل دختران در سمت جنوب ، دروازه مازندران در مغرب ، سبز مشهد یا فوجرد

۲- طول ۵۴ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۶ ثانیه شرقی ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه و ۵۲

Col. Lovett - ۱

ثانیه شمالی. ارتفاع ۳۲۷ پا .

(شاید همان دروازه قدیم گرگان باشد) در شمال و دنکوان که محل رفت و آمد نیست . قسمت عمده اراضی داخل دیوارها به باغات و مزارع و صحرا تبدیل شده است . شهر سه محله دارد . نعلبندان با محلات فرعی آن ، میخچه گران ، شیرکش ، باغشاه ، بلوچ ، پای سرو یا هیمه دوزان ، محله میدان با محلات فرعی آن : تکیه عباسعلی ، درب نو ، تکیه دوشنبه ، میر کریمی ، دو چنارن ، گاو بندان ، سبز مشهد که سابقاً سوخته و تکیه معروفی بوده ، با محله سرچشمه ، سرپین ، دباغان ، تکیه خان ، نقارچیان و چمندیان که اکنون خراب است .

جمعیت شهر ده هزار نفر است ، ۴۰ مسجد و تکیه ، ۱۱ امامزاده ، ۸ مدرسه مذهبی ، ۱۳ آب انبار و ۱۴ حمام دارد . مساجد آن عبارتند از : نعلبندان ، جامع ، بنکشی ها ، آقا میر مؤمن . حاجی محمد حسن معمار ، حاجی محمد رضا ، گلشن ، دوچناران یا محمد باقر خان ، باغشاه سفید ، شیرکش ، میخچه گران ، پای سرو ، نعل بیگی ، میر کریمی ، حاجی علی که مسجدی است بزرگ ، خانه کلانتر ، کاسه - گران ، شاهزاده قاسم ، باغ پلنگ ، ملا میرزا حسین مسجدی که نزدیک خانه عباسقلی آقا غلام باشی است ، حاجی آقا محمدی ، ملا علی ، دیلمی ها یا مقبره مصلی ، مسجد و تکیه بی سر ، امام حسن ، سرپین ، سرچشمه ، ملا علی ، دباغان ، فادی ، کوچک ، نقارچیان ، حاجی محمود آقا ، علی خان قاجار ، پناه بیگی و دروازه فوجرد . امامزاده ها عبارتند از : روبند بر و نزدیک دروازه بسطام . محسن معروف به چهارشنبه ، شاهزاده قاسم ، قدمگاه خضر در خارج دروازه مازندران پنجه عباس علی ، نه تن «۹۰۰» دوشنبه که در آنجا دو خواهر مدفون اند (راضیه و مرضیه) بی بی هور ، بی بی نور ، مرادبخش ، عبدالله در بیرون دروازه فوجرد ، نور یا شاهزاده اسحق و بی بی سبز که در آنجا یکی از دختران امام موسی کاظم مدفون است . مدارس عبارتند از دارالشفاء ، حاجی ملا رضا ، سپهسالار ، حاجی محمد تقی خان ، آقا حسین عمادیه یا دروازه نو ، سادات و حاجی

محمد صالح .

مسجد جامع که مسجد عمده شهر است ، بواسطه کتیبه های بسیاری که دارد ، شایان توجه است و نیز دارای يك حیاط درونی و حوض بزرگ است و محراب آن که گنبد بلندی بر بالای آن هست بسمت مشرق است نه در آن جهت معینی که خاص شیعیان میباشد . بنابراین معلوم میشود که آن مسجد اصلاً برای نماز سنی ها ساخته شده بود . منبر آن از چوب و منبت کاری است . دو کتیبه دارد . یکی حاکی است که مسجد در دوره سلطنت سلطان ملك الملوك العرب والعجم معین الدین ابوالقاسم بابر بهادر خان ، بوسیله بابا حسین یکی از اولاد ابو عبدالله شروع و در عهد پادشاهی شاه عباس ، توسط قطب الدین احمد بن ملا علی استرآبادی تمام شده است . تاریخ کتیبه ۱۵ شعبان ۱۰۱۸ هجری قمری است ، بر طبق کتیبه دوم که تاریخ آن اول ذی القعدة ۱۱۵۷ است منبر و خود مسجد در زمان سلطنت نادر شاهنشاه ایران و هند و ترکستان و توران بوسیله حاجی قربان آقا ، ناظر محمد حسین خان قاجار حاکم (بیکلر بیگی) استرآباد تعمیر شد . از کتیبه های دیگر مطالب ذیل استنباط میگردد .

الف - تعمیر مسجد در پادشاهی نادر شاه ، بفرمان محمد حسین خان بیکلر بیگی استرآباد ، توسط ناظر او حاجی قربان در ۱۱۵۷ هجری بعمل آمده است .

ب - فرمان شاه عباس مبنی بر اینکه سکنه ده یساقی که عوض پرداخت مالیات سرانه جمعاً مکلف به تأدیه مبلغ چهار تومان شده بودند و باینجهت جلای وطن کرده بودند در آینده باندازه تعداد گاو و گوسفند خود مالیات بپردازند .

ج - در موقع ورود سلطان محمد ذوالقدر ، پسر میرعلاءالدوله بعنوان حاکم آنجا سکنه شکایت کردند که نمی توانند سکه های مسی را عوض کنند ، و بنابراین آن رسم منسوخ شد و شخصی که باعث این امر شده بود خواجه سیف الدین مظفر طبق چی «۱۰۱» بود . در تاریخ جمادی الثانی ۹۳۷ هجری .

د - فرمان شاه ابوالنصر بن شاه اسمعیل دوم برای منسوخ کردن مالیاتی که بردگان بهنگام آزاد شدن نمی پرداختند (۱۰۲۹ هجری).

ه - وقف نامه مورخ ۲۵ ذی القعدة ۱۰۴۲ هجری از آن خسرو خان حاکم استرآباد که حاکی است عایدات یک کاروانسرا و قسمتی از یک قنات که هر دو در میدان شور آجری استرآباد واقع اند باید بعد از کسر مخارج نگاهداری آنها صرف حفاظت و روشنائی پنج مسجد : جامع ، مصلی ، بادار ، حاجی تبریزی و چشمه مصلی و پنجم امام و مناره میدان شور بشود . خادم مسجد جامع ماهانه ۱۲ هزار دینار دریافت نماید و ده من و نیم روغن کنگجد برای چراغهای مسجد خودش و ۵ هزار دینار و ۴ من روغن برای چهار مسجد دیگر و خادم مصلی هم یک تومان و مؤذن مناره میدان شور ماهانه ۱۲ هزار دینار دریافت دارد .

و - مالیاتهای کوتوالی و قروق چی گری و راه تراشی (تعمیر جادهها) که از طرف حکام سابق بر قرار شده بود بامر شاه عباس دوم در تاریخ ۶ شعبان ۱۰۵۵ قمری منسوخ گردید .

ز - صیادان ، ماهیگیران ، قوش بازان و امثال آنها از ابتدای پارس ایل از بعضی عوارض که سابقاً می پرداختند معاف شدند . مورخ جمادی الثانی ۱۰۴۷ (۱۶۳۷ مسیحی)

کتیبه‌های دیگری که در شهر استرآباد یافتیم : کتیبه ای در مدرسه محمد تقی خان که در ماده تاریخی تأسیس آنرا در ۱۲۴۵ هجری ثبت نموده و کتیبه دیگری در امامزاده چهارشنبه حاکی از اینست که امامزاده مزبور در سال ۱۲۲۴ هجری بوسیله نظر علی خان ساخته شده . کتیبه‌ای هم بر مدخل آب انبار تکیه دباغان که تاریخ ساختمان آب انبار را در سال ۱۰۱۰ هجری توسط حاجی محمد علی نام ذکر نموده . کتیبه دیگر در بالای مناره از قبرستان سبزمشهد که سابقاً به میدان شور معروف بود ،

مشعر بر این که آن مناره در سال ۱۰۵۵ زمان سلطنت شاه عباس دوم بوسیله حاجی مقری فرزند حاجی علی جرجانی برپا گردیده . کتیبه ای هم در امامزاده مرادبخش حاکی است که شخصی بنام غلام شاه گو کجه قنات وقفی برای استفاده اهالی استرآباد ساخته و وقف کرده بود . مورخ ۹۶۰ هجری قمری . و کتیبه تکیه دباغان بتاریخ ۱۱۵۵ هجری حاکی ازین که میرزا محمد باقر نام خانه ای که وصل به تکیه است و یک نصف از قناتی که در حاجی آباد واقع و به قنات با یزید معروف میباشد و عایدات آنها برای نگهداری تکیه و خرج نگهبان وقف شده ، بالاخره کتیبه ای دیگر حاکی براینکه واقف مزبور برای مخارج تعزیه خوانی در آن تکیه ، قنات واقع در دهکده گوزن را وقف نموده است . بر چهارچوبه درونی امامزاده نور کتیبه ای هست مشعر بر این که آن بوسیله حاجی محمد بامر جلال الدین با یزید الجلیلی الحسینی در ماه رجب ۸۵۷ هجری ساخته شده و کتیبه مشابهی بخط یوسف نام پسر شکری دربندی در امامزاده عبدالله هست که روایت میکند آن در بامر کیفر بن شاه بن شمس الدین در ذی قعدة ۸۷۳ هجری ساخته شده . کتیبه های گچ کاری در همین امامزاده حاکی است که عباس خان<sup>۱</sup> حاکم استرآباد آن بنا را تعمیر کرده و تاریخ آنرا در ماده تاریخی ذکر نموده است .

عمارت حکومتی در زاویه جنوبی شهر واقع است و بوسیله آغا محمد خان قاجار ساخته شده . کتیبه ای بر مدخل عمده آن بتاریخ ۱۲۰۶ هجری مشعر بر اینست که تمام بناهایی را که آغا محمد خان برپا ساخته بود و نزدیک میدان واقع اند و نیز آب انبار وقف خاص دوازده امام است .

موقوفه های بسیاری برای تأمین آب مشروب کافی جهت اهالی استرآباد هست و بهمین جهت غلام شاه گو کجه سلطان در سال (۹۶۰ هجری) قناتی وقف مردم استرآباد

نمود و خسروخان بسال (۱۰۴۲ هجری) در آمد قناتی را که اکنون خراب است و از میدان شور آجری میگذرد برای خرج نگاهداری بناهای مذهبی اختصاص داده است. ولی مهمترین موقوفه‌ها در ربیع الاول (۹۴۱ هجری) از طرف خواجه سیف الدوله والدین مظفر بن خواجه فخرالدین والدین احمد الطبقچی تأسیس یافته که سه سنگ از هیجده  $\frac{1}{4}$  سنگ آب نهر زیارت خواسته رود را وقف شهر استرآباد نموده وصیت کرده بود که آب از خانه بخانه دیگر جاری باشد تا تمام سکنه متساویاً از آن بهره مند بشوند. بعضی سادات و ملاحای بیروت بعد از واقف، این حق آب را بخود منحصر ساخته و در نتیجه موقع تابستان اهالی بیچاره شهر از فقدان آب سخت دچار زحمت میگردند.

جمعیت شهر خیلی مخلوط و مرکب از سادات و مردم بومی ولایت قاجار و ترکها و عدهای بلوچ و کرمی است. سادات استرآباد به طایفه‌های میرمجیدی، بنی کریمی، عقیلی و میر کمال‌الدین و دراز کیسو و مرد مؤمن و شیرنگی (از ده شیرنگ در کتول) و مفیدی تعلق دارند. طایفه قاجار که بوسیله چنگیز خان باین قسمت ایران کوچ داده شده‌اند از عده‌ایشان فعلاً بسیار کاسته شده‌است و جمعاً بیش از ۴۰۰ خانوار نمیشوند و به قبیله‌های ذیل متعلق‌اند قوآنلو، دولو، عزالدین‌لو، قرآصانلو، شامبیاتی، زیادلو، کرلو و سپانلو «۱۰۲».

ترکها باستانی قاجارها مشتمل‌اند بر حاجی لرگریلی که از کبود جامه هستند و خوانین مقصودلو از نواحی مجاور آن میباشند. بلوچها فقط بچند خانوار تقلیل یافته‌اند و بعضی از کرمی‌ها از ایالات شمال‌غربی هندوستان باین حدود آمده‌اند و به قبیله‌های توری و شلوزانی و زیرانی تعلق دارند و چند خانواده هم از دیلمی‌ها

۱- کلمه دوانلو که بازماندگان میاس خان در شهرساری نام خانوادگی خود اختیار کرده‌اند ظاهراً مبنی بر اشتباه است چون چنین اسمی در تاریخ استرآباد و مازندران نیست شاید بجای قوآنلو، دوانلو انتخاب شده‌است. مترجم



هنوز در استرآباد هستند که بدون شك اعقاب نخستین حامیان فرمانروایان علوی مازندران و گرگان میباشند و بالاخره کولی‌ها که در اینجا بچندین نام از قبیل جوکی، غلبیربندی یا چگنی که شغلشان آهنگری و نعلبندی است و بدزدی معروف اند. عده آنها شاید بین پنجاه و صد خانوار باشد<sup>۱</sup>.

www.tandis.de  
تندیس

۱- برای اطلاعات بیشتری درباره استرآباد رجوع کنید به گزارش سیاسی و کنسولی شماره ۴۳۸۱ نوشته

## فصل نهم

ایالت استرآباد - حدود و تعریف آن - بلوکات -  
جمعیت - راهها - حملات قبایل قزل آلان - قلعه مبارک آباد -  
آغا محمدخان و ترکمنها - بلوک شاه کوه و ساور - بلوک  
انزان رستاق - بلوک فخر عمادالدین - بلوک کتول -  
بلوک فندرسک - بلوک کوهسار - حاجی لر - کبودجامه -  
قلعه‌های استرآباد .

ایالت استرآباد<sup>۱</sup> در قسمت شمال شرقی ایران بین عرض جغرافیائی ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه طول جغرافیائی ۵۴ درجه و ۵۶ درجه واقع و محدود است از شمال برودخانه گرکان از جنوب بجهال البرز و حدود شاهرود و نواحی بسطام ، از مغرب به دریای خزر و مازندران و از مشرق بناحیه جاجرم و خانات ناردین . عریض‌ترین قسمت سرزمین استرآباد از قره سو تا حدود شاهرود تقریباً ۴۰ میل (ده فرسخ) است و طویل‌ترین قسمت آن از جگرکلباد تا حدود کوهسار تقریباً ۱۰۰ میل میباشد . استرآباد مانند سایر ایالات ساحلی شمالی ایران جلگه‌ای از شرق بغرب دارد و قسمت کوهستانی حد جنوبی آنرا تشکیل میدهد . این جلگه دارای جنگل‌های عالی است و نهرهای متعدد از میان آن جاری است و تا حدود نوده

۱- برای کسب اطلاعات بیشتری در باب ایالت استرآباد به گزارش کنسولی برسفوردلادت سال ۱۸۸۲

که تقریباً در ۵۰ میلی حد غربی ایالت است امتداد دارد. عرض جلگه یکسان و در حدود ۱۰ میل است. قسمت کوهستانی مشتمل است بر مسیر علیای رودخانه نکا و کوههای شاهور و شاه کوه و جهان نما و گز.

این ایالت به هفت ناحیه تقسیم شده است: انزان، سدن رستاق، شاه کوه، ساور، استرآباد - رستاق، کتول، فندرسک و کوهسار. بلوکهای شرقی اکثراً اقامتگاه ترکهای گریلی است. دهات سنگسر حاجی لرن نیز متعلق بجاجی لراست، که قبیلهاست بقول بعضی تیره‌ای از گریلی‌ها و بقول دسته دیگر آنها اصلاً بلوچ هستند. در ناحیه غربی استرآباد قسمت عمدۀ اهالی تاجیک اند. بعلاوه عمدۀ کمی از ایل قاجار و مقصودلو که اصلاً از قره باغ آمده‌اند و در زنگی محله و محمدآباد (نزدیک شهر استرآباد) هستند. عمدۀ زیادی از اهالی دهات سابقاً از بربری‌های هزاره بودند که از مهاجران خیلی قدیم بشمار میرفته‌اند و سکنۀ این حدود با آن که مانند افراد بی‌باک کوهستانی نیستند باز در شجاعت و جنگجوئی شهرت بسیار دارند.

زبان و لهجه‌هایی که در این ایالت معمول است فارسی، ترکی، ترکمنی، تاتی و مازندرانی است. تمام سکنه شیعه هستند بغیر از ترکمن‌ها که مذهب تسنن دارند. راه در جلگه باتلاقی است و در تپه‌ها پر از سنگ و دارای شیبهای تند است. جاده شاه عباسی که از سراسر ایالت میگذرد بین بندر گز و استرآباد هنوز محل رفت و آمد چاروآدارهاست ولی راه مزبور احتیاج به تعمیرات زیادی دارد. گردنه‌ها و کتل‌های عمدۀ کومستانی بقرار ذیل است:

الف - از گز به شاهرود از راه کتل درک تا بر کلا ۱۲ میل، یانسر ۱۶ میل، ملاعلی ۱۶ میل، تاجر ۲۰ میل، شاهرود ۱۶ میل، جمعاً ۸۰ میل (بنا بر روایت اهل محل).

ب - از نوکنده به رادکان و بعد بشاهرود.

بهری -  
بنا بر روایت  
شعری +

ج - از گز به استون آباد ۶ میل ، رادکان ۲۰ میل ، شاه کوه ۲۰ میل ، بسطام ۲۸ میل .

د - از استراباد به ساور از طریق گردنه جهان نما که بعقیده من باید همان سر دروازه باشد و از آنجا به چهارده .

ه - از استراباد به تاش از طریق زیارت : زیارت ۱۱ میل ، سیاه خان پی ، شهرت ، کوه لره ( بارتفاع ۹۲۰۰ پا ) دره چهار باغ ، شاه کوه بالا ( ۸۲۰۰ پا ) ۱۶ میل و نیم ، گردنه چلچیان و تاش ۱۴ میل ، از آنجا به شاهرود ۱۹ میل و نیم ، جمعاً ۶۱ میل .

و - از استراباد به شاهرود از راه گردنه قزلق از طریق نومل به خیرات ( ارتفاع ۱۰۴۰ پا ) ۱۰ میل ، گرم دشت ، رباط قزلق ، بلند سفاله ( ارتفاع ۵۲۰۰ پا ) ۱۵ میل ، قلّه گردنه قزلق ( ۷۲۰۰ پا ) ، چهار باغ ( ۶۷۰۰ پا ) خرابه های علی آباد ( ۷۳۰۰ پا ) گردنه جلین برین ( ۸۰۰۰ پا ) هفت چشمه ۱۰ میل ، قبر سفید ، کتل و بجمنو ( ۹۰۰۰ پا ) تاش ( ۷۷۰۰ پا ) ۹ میل رباط تاجر ، کلانه ( ۵۵۱۰ پا ) شاهرود ( ۵۰۰۰ پا ) ۱۹ میل و نیم ، جمعاً ۶۳ میل و نیم .

( ز ) از استراباد به جاجرم : نوده ۱۳ میل ، کناره ( که خرابه است ) ۲ میل ، پیچاک محله ۱۱ میل ، کتول ۳ میل ، نمتلو ۸ میل ، فندرسک ۲ میل و نیم ، رامیان ۱۱ میل و نیم ، نوده ۱۲ میل و نیم ، ابرو که از ابر جاری است ۸ میل ، پارسیان قانچی ۱۱ میل ، چناشک ( که از آنجا راه باریکی به بسطام میرود ) ۱۰ میل ، گلستان ۲ میل ، تول بین ۳ میل ، ناردین ۸ میل ، از روی گردنه سنگ سوراخ به جاجرم ۳۰ میل . راه از جلگه نوده به جاجرم یا میامه را میگویند سهل العبورترین رشته های تمام البرز از طهران تا هرات است .

( ح ) از استراباد به گرکان راه دهنه گرکان به اسفراین از جلگه جوین

میکند. بگفتهٔ مقدسی منازل راه مزبور عبارت بوده از: رباط حفص، کرگان، دینارجاری، امروباو (امروبلو) اجغ که حالا اشک نامیده میشود، سنگخواست، اسفراین. راه دیگری از استرآباد به کرگان از طریق رباط بوده است و راه سومی نیز از میان جنگل وجود داشته است و هشاریل نام آن بوده «۱۰۳».

(ط) - از بسطام به کرگان بنا بر اظهار حمدالله مستوفی منازل راه از این قرار بود: کیچ (کلاته خبیج) از طریق نردبان پایه ۲۸ میل، میل آباد ۲۴، موسی آباد ۲۰ میل، کرگان ۲۰ میل، جمعاً ۹۲ میل.

از عهد قدیم استرآباد همواره در معرض حملهٔ ایلاتی بوده است، که در شمال این ایالت اقامت داشتند. بمنظور دفاع از کرگان و دهات اطرافش انوشیروان ساسانی باروی عظیم قزل آلان را ساخته بود. بعد از حملهٔ لشکر خلفا به ایران خطر جدیدی کرگان را تهدید کرد و شهر استرآباد چندین بار بوسیله دو طرف متخاصم غارت شد و آن ایالت در عهد پادشاهی آل زیاد و آل بویه هم روزگار بهتری نداشت. موقع تاخت و تاز مغول به مازندران نیز زیرپای سپاه آنها افتاد و درابتدای پادشاهی صفویه مدتی تحت تسلط ازبکها بود. شاه عباس کبیر مبارک آباد را که شاه طهماسب اساسش را نهاده بود، مجدداً بنا کرد و گروه نیرومندی از قوم قاجار را در آنجا سکونت داد. ولی دیری نگذشت که این طایفه با همسایگان خود داخل ارتباط دوستی شدند. محمدحسن خان، پدر آغا محمدخان قاجار هر وقت دچار اشکالاتی میشد، به ترکمنها پناه می‌برد و بیاس کمکهایی که آنها همواره به خود او و پدرش کرده بودند به ترکمنها اجازه داد که از سواحل لم‌زرع رودخانهٔ اترک به جلگهٔ حاصلخیز کرگان نقل مکان نمایند و به عنوان تیول دهاتی را که در کنار رودخانهٔ قره‌سو بود بآنها داد مانند اوجابن، قلعهٔ محمود، لله‌دوبن، حیدرآباد، اترکچال و غیره. از آن موقع حالت جنگ و نزاع پیوسته بین افراد وحشی این

قبایل و اهالی اتک یعنی دهات واقع در سراسر مرز بین استرآباد و دشت ترکمن وجود داشته است .

ناحیه شاه کوه و ساور<sup>۱</sup> شامل تمام ناحیه کوهستانی جنوب استرآباد تا شاهرود و بسطام است که اکنون فقط چند ده آن مسکون است . روزگاری عده این دهات به سی میرسیده و جلگه‌های خرم آن علامت بارزی از حاصلخیزی و زراعت سابق آنجا است . تاش که ده عمده این ناحیه است در حدود بیست میلی شاهرود و در محل تلاقی دو جاده از شهر استرآباد ، یکی از راه زیارت و دیگری از بالای گردنه قزلق می‌باشد . نزدیک تاش شاه کوه بنام بومی شاه کوه ککشان معروف است .

استرآباد رستاق<sup>۲</sup> در شمال و مشرق شهر استرآباد واقع است . حدود آن تا دهکده میرمحل در شرق و از طرف شمال برودخانه قراسو میرسد که در ساحل علیای آن ترکمن‌های آتابای منزل دارند و به گردنه قزلق در جنوب منتهی می‌شود . وسعتش از مشرق به مغرب سه فرسخ و از شمال بجنوب پنج فرسخ است . در سمت قره‌سو مقداری صحرا و زمین‌های چمن‌زار یافت می‌شود . ولی قسمت عمده آن حدود جنگل است . زمین آن ناحیه از بلوکاتی که در مغرب آن واقع اند قدری بلندتر است و کمتر باتلاقی است . نیم بلوک فخر عمادالدین که حالا قسمتی از استرآباد رستاق بشمار است حدودش از مشرق نهر کرک ، از مغرب رودخانه میرمحل ، از شمال قاری آب و ایلغار تپه و در جنوب کوه‌های نو کوه و لله‌گندو است . وسعت آن از شمال تا جنوب ۲۴ میل از مشرق بمغرب ۱۲ میل است و در سابق ناحیه آباد و مستقلی بود . ولی بسیاری از دهات آن بدست ترکمن‌ها خراب شده بیشتر سکنه آن ترک هستند و میان آنها عده زیادی سادات اند . مقر حاکم در میان آباد است .

۱- رجوع کنید به ضمیمه اول دهات شاه کوه و ساور .

۲- رجوع شود به ضمیمه اول : دهات استرآباد رستاق .

بلوك كتول<sup>۱</sup> در جنوب شرقی استرآباد و در جنوب استرآباد رستاق واقع است. حدود آن از کوهستان تا صحرایی است که در دست تر کمن ها است و محدود است از مغرب به رود کرک و جلگه کمالان از مشرق به نهر سرخ محله (که آن را از فندرسک جدا میسازد) از شمال به اراضی دوجی و از جنوب به میغان. در بسطام طول آن از مشرق بمغرب تقریباً ده میل و از شمال بجنوب ۳۰ میل است. قسمت عمده آن پوشیده از جنگل است و صحرای غلفزار نیز دارد.

وال قوش کپری که تر کمن ها آن را قراسو می نامند از کوههای پشت كتول سرچشمه میگیرد و نزدیک سالیان تپه به رودخانه گرگان ملحق میشود و از نهرهای ذیل بوجود میآید: آب دهانه كتول که کرک یا آب بخشان نامیده میشود. آب سرخان محله که از گردنه زرین گل جاری است و قسمتی از فندرسک و كتول را مشروب میسازد. آب کبودوال که از جنگل علی آباد سرچشمه می گیرد و آب قاجار که سرچشمه آن در برفتان در کتول است.

قسمت عمده سکنه آنجا از گریلی ها هستند که نژاد خالص و جسور و صاحب هیکل و اندام خوب می باشند و بیشترشان مسلح اند. فندرسک که شامل بلوك كوچك رامیان نیز هست محدود است از مغرب به نهر سرخ محله تا سنگر کبود جامه که در مشرق آن اراضی گوکلان واقع است. از سمت شمال محدود میشود به اراضی ایمیر. کوچک، قجق و تر کمن های تانار و به ناحیه کوهسار در سمت جنوبی از مشرق بمغرب ۳۶ میل و از شمال بجنوب ۳۲ میل و مشتمل است بر تمام رشته جنگل ها تا نوده و دامنه های خوش بیلاق.

چندین نهر بزرگ از میان آن جاری است که همه شاخه های گرگان رود است. آب فندرسک که از گردنه دار کلا جاری است در بندهایمیر به گرگان رود ملحق

۱- رجوع کنید به ضمیمه اول: دهات كتول.

میکردد. آب شیرآباد که چقلی هم نام دارد و از میان قلعه خان بین و جلگه قره طغان و سپس از اراضی قجق میگذرد. آب رامیان که قسمت اعظم فندرسک را مشروب میسازد، از مشرق اراضی قجق جاری است. آب الله قلی و خرمارود در مشرق رامیان و از وسط قانیخمز و اراضی قجق جریان دارد. آب سنگر حاجی لر که از میان سرزمین قانیخمز جاری است. بعلاوه دونهر دیگر هست، یکی آب گل چشمه دیگری رود مرزر که راجع بآن اطلاعی ندارم و اودروه رود که باید نهری باشد که در بالا بنام دیگر ذکر شده است.

اراضی در جلگه جنوب هموار و مزروع است. اما جنگل‌های انبوهی از سمت شمال و جنوب آن را محصور نموده. مردم آنجا خوش صورت، فعال و مسلح و در چوب تراشی ماهرند و با وسایلی که دارند از عهده دسته‌های متهاجم تر کمن بی باک نیک بر می‌آیند. بمن گفته اند که سابقاً عده زیادی دیالمه و کردها و سادات در فندرسک<sup>۱</sup> بودند. سکنه رامیان بهفت قبیله تقسیم میشوند: یزدری، رجبلی، صادقلی، کاغذلی، قوائلی، بای و بیگلری. دهکده عمده بلوک مزبور زرین گل است اما حاکم در شیرآباد اقامت دارد. خانهای موروثی اولاد میر ابوالقاسم فندرسکی معروف به میر فندرسکی اند. او پزشک و حکیم مشهوری بوده که در سال (۱۰۵۰ هجری قمری) (۱۶۴۱ مسیحی) در اصفهان در گذشته است.

بلوک کوهسار<sup>۲</sup> را جلگه‌ای عالی میدانند که در جنوب شرقی بلوک فندرسک واقع است. طولش ۳۰ میل و عرض آن ۱۰ تا ۱۲ میل است و محدود است از طرف شمال به شیرآباد و کبودجامه، از مشرق به ناردین، از جنوب به ابردر بسطام کلاته خنج و میانه و از مغرب به ییلاقات کتول.

۱- رجوع کنید به ضمیمه اول دهات فندرسک.

۲- رجوع کنید به ضمیمه اول دهات کوهسار.



نهر کوهسار از کوه وامنان که بین کوهسار و گلستان ناردین قرار دارد ، سرچشمه میگیرد و مزارع برنج سنکر حاجی لر را مشروب میسازد و در مشرق کنبد قابوس باتلاق هایی تشکیل میدهد که مسیر آب آنها بسمت رودخانه گران است . سرچشمه خرم رود در کوه ابر بسطام است و بعد از نوده اسمعیل خان ونوده حاجی شریف به وطن که در ده میلی سرچشمه آنست میرسد چهار میل بالاتر بدو شاخه تقسیم میشود یکی بسمت جنوب جریان یافته بنام آب وطن و دیگری بطرف فارسین و قانچی جاری میشود و هشت میل پیش از محل قانچی شعبه شرقی از چناشک میگنرد . بعد به وامنان و گلستان ناردین میرسد . در آنجا باز بدو شعبه دیگر تقسیم میشود ، که یکی از جنوب وامنان عبور نموده به آب تیلوا که از کوه زردوا میآید مخلق میگردد و از محل تلاقی این دو نهر تا کلانه خلیج بسطام تقریباً ۱۶ میل است خرم رود را که فیرنگ نیز میخوانند دیده ام و ذکر آن از نهر چلچا هم شنیده ام .

کوهسار شامل چهار محله است : کوهسار ، چناشک ، قانچی و حاجی لر . سکنه آنجا افرادی خوش سیما و خوش بنیه و بیشتر آنها از ترک های گریلی میباشند . می گویند که آب و هوای کوهسار بسیار خوب است و در نتیجه وضع ممتاز کوهستانی که دارد از حملات ترکمن ها نسبتاً مصون مانده است ، دهات عمده آن عبارتند از دوزین و قلعه کافه ولی حاکم کوهسار که حاکم فندرسک نیز هست در شیرآباد فندرسک اقامت دارد .

قبیله حاجی لر که نام خود را بر بلوک کوچکی که در آن اقامت دارند گذاشته اند ، از بازماندگان طایفه گریلی هستند و در دره های پر شیب و مرتفع شمال گران رود منزل دارند . نصیرالکتاب نقل میکند که محمد حسن خان جلایر خود را فرمانروای جلگه گران اعلام نموده ، اعلان استقلال داده بود . موقعی که پادشاه ایران برای

سر کوب او لشکر فرستاد، به قلعهٔ ماران کوه «۱۰۴» پناه برد. یکی از معتمدین او بنام حاجی را ایرانیان رشوه دادند. این شخص ارباب خود را بدام انداخت و برای پادشاه این کار ماران کوه و مجاور آن ناحیه به حاجی مذکور داده شد. دهات حاجی لر اقامتگاه اولاد اوست و از این جهت حاجی لر نام دارد.

مردم چناشک و قانچی با آنکه در يك جلگهٔ تنگ و مسدود و پر آب زیست می‌کنند و فقط زراعت برنج مختصری دارند بلند قامت و تنومند و تندرست و خوش‌صورت‌تر از سکنه دربندهای خشک حدود ناردین هستند. کبود جامعه «۱۰۵» اکنون حاجی لر نام دارد. حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری (۱۴ مسیحی) ناحیه‌ای را تعریف نموده که ابریشم بسیار تولید می‌کرده و غله‌زار و باغات انگور فراوانی داشته و ناحیه ثروتمندی بوده که بواسطهٔ حملهٔ تیمور به مازندران در اواخر قرن هشتم بکلی خراب شده. شهر روعد یا روغد که می‌گویند هنگام تاخت و تاز تیمور به مازندران زیر سم ستوران او افتاد، شاید به بلوک کبودجامه تعلق داشته. حمدالله مستوفی می‌گوید آنجا شهری نسبتاً وسیع و چهار هزار قدم طول محیط آن بوده و در میان اراضی حاصلخیز واقع بود. علاوه بر انواع میوه غلات و پنبه در آنجا فراوان می‌باشد.

مقدسی مینویسد مسافران از بسطام به شهر گرگان (از راه کوهستان) در جهبینه توقف می‌کردند، که بقول ابن حوقل آن‌دهی قشنگ بر کنار رودخانه بود. جهبینه که زکرش در تاریخ‌های محلی غالباً دیده میشود گویا قلعهٔ نسبتاً محکمی بوده که هنگام حملهٔ حکام خراسان یا اسپهبدان مازندران پناهگاه امیران کبودجامه بوده. چناشک سه قلعه دارد: سیب‌چال، والمان (وامنان) و کاشی‌دار. دو قلعهٔ اولی اهمیت ندارند ولی کاشی‌دار که بر قلعه کوه واقع است و اکنون دشلی نامیده میشود و پائین قلعه تنبت برزین بود استحکام بسیار داشت. نمیتوان گفت از این سه قلعه

چناشك كدامين ، قلعه‌ايست كه قابوس ابن وشمگير پس از خلع از سلطنت در آنجا زنداني شد .

قلعه‌های همایون و کجین یا کچین گویا در کوهسار و یا نزدیکی آن بود کچین از زمان شاپور ذوالاکتاف تا عهد اسپهبد اردشیر بن حسن (۵۶۸-۶۰۲ هجری) در وضع خوبی بوده و بامر اسپهبد آنرا خراب کردند تا مبادا بدست تکش بن ایل ارسالن بیفتد .

## فصل دهم

از استرآباد به گنبد قابوس - سلطان دوین -  
شاه مرز - قره سو - آق قلعه - تأسیس مبارک آباد -  
دیوار قزل آلان - گنبد قابوس - آب و هوای گرگان -  
اصل آن - تاریخ آن - شرح ابن حوقل - شرح مستوفی -  
آبگون - نیم مردان - دهات سابق گرگان - رودخانه  
گرگان - خرابه های - امامزاده قرنچی امام - دهستان  
که از اثر تهاجمات پی در پی متروک مانده است .

۲۲ دسامبر ۲۴ میلونیم - از طریق دروازه فوجرد شهر استرآباد بسمت شرقی  
بعزم آق قلعه که در مسافت ده میل ونیم بر جلگه همواری واقع بود حرکت کردیم.  
پس از آنکه يك ميل از دروازه شهر دور شدیم، از کنار امامزاده کریم آباد که  
در طرف چپ جاده واقع بود گذشته و دیری نگذشته بود که از دهات مخروب  
جعفر آباد و امیر آباد که در سمت های راست و چپ جاده واقع بوده اند عبور کردیم.  
در طرف چپ ما بر تپه ای قبر یکی از سران تر کمن، که چهل سال پیش در گذشته  
بود قرار داشت . اسم آنجا عمارت موسی خان بود کمی آن سوتر تپه و امامزاده یعقوب  
پیغمبر و بعد از آن افزه کلام واقع است و آن تپه ایست که نهری که مازود نزدیک  
آن جاری است در طرف راست تپه های فوجرد، شغال تپه و باج تپه و قدری دورتر  
گل تپه و سلطان دوین واقع اند . تپه آخری اقامتگاه زمستانی میرزا ابوالقاسم بابر

بود. این تپه در چهار میلی شهر استرآباد. سپس از شاهمرز عبور کردیم که خندق‌فی بود و اکنون تقریباً پر شده است. میگفتند از پایین قراسو تا رامیان امتداد دارد و حد بین خانه‌های تر کمن ها و دهات اتک استرآباد است و گویا بامر امیر نظام نخستین صدر اعظم ناصرالدین شاه آنرا کنده باشند. هم او بود که فرمان داد در فواصلی معین از استرآباد تا دریا در جنگل قلعه‌هایی برپا سازند و در هر برج پنجاه نفر نگهبان گذاشت. قلعه‌خواجه نفس همانست که ایستویک گفته‌است که مانع عمده‌ای در مقابل غارتگران تر کمن بود. پس از مرگ امیر کبیر (۱۸۵۱ مسیحی) تمام اینها رو بخرابی نهاد.

از اینجا ما بدستی وارد شدیم که آثار برجسته آن فقط تپه‌های متعدد کوچک و بزرگ محل اقامتی است که روزگاری جزء گرگان بود.<sup>۲</sup> در شش میل و نیم فاصله از شهر استرآباد از پل آجری رودخانه قراسو که چندین طاق داشت عبور کردیم. ایرانیان آنرا سپاه بالا می‌نامند. این رود از کوه‌های جنوبی بلوک کتول سرچشمه میگیرد و در ۳۰ میلی مشرق استرآباد ابتدا بسمت شمال‌غربی و بعد بطرف مغرب تا ۴۰ یا ۵۰ میل جریان یافته در ۶ یا ۷ میلی جنوبی خواجه نفس بدریا میریزد.<sup>۲</sup>

محل قلعه سابق مبارك آباد مر کب از تپه‌های کوتاهی است. در انتهای سمت شمالی آن در کنار گرگان رود ویرانه‌های حصار آق‌قلعه واقع است که ما از میان آن عبور نموده به پل گرگان که چهار طاق داشت رسیدیم. بنا بر اظهار اهل محل آق‌قلعه در زمان قابوس به اسپیدی دژ معروف بوده که تر کمن‌ها آنرا آق‌قلعه ترجمه کرده‌اند. برج آن در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده بود تا دشت تر کمن را از

Eastwick — ۱ — در نقشه دومرگان نام بسیاری از این تپه‌ها ثبت شده است. رجوع شود به « نقشه‌های سواحل جنوبی دریای خزر دومرگان. مأموریت علمی در ایران - پاریس ۱۸۹۵ » .  
( Carte des rives Meridionales de la Mer Caspienne, Missio Scientifique en Perse )

آنجا دیده‌بانی کنند. ولی سربازانی که مأمور آنجا میشدند در واقع زندانیانی در میان چهار دیوار قلعه بودند و با آنکه شهر را از دور می‌دیدند، نمی‌توانستند ارتباط خود را با شهر استرآباد حفظ کنند.

مبارک‌آباد اصلاً بوسیله شاه طهماسب اول تأسیس شد. این پادشاه امر داد که حاکم استرآباد به شهر جدید نقل‌مکان کند تا ایالت استرآباد را از حملات ترکمن‌ها که در آن وقت زیر فرمان پادشاه خوارزم بودند بهتر محافظت نموده باشد. در سال ۱۰۰۷ هجری شاه عباس اول به استرآباد آمد و امر به تعمیر قلعه داد. دیوارهای آن در ظرف ۱۲ روز ساخته شد بعد شاه عباس عدّه زیادی از ایل قاجار را باین شهر کوچ داد. ایشان در آن شهر بودند تا موقعی که نزاع سختی بین دسته‌های یوقاری باش و آشاغی باش طایفه مزبور اتفاق افتاد و ناگزیر بترك آن محل شدند.

پس از عزیمت از آق‌قلعه بزودی به باروی قزل‌آلان که اصلاً بوسیله اسکندر کبیر برای دفاع در مقابل حملات قبیله‌های وحشی مشرق ساخته شده بود، رسیدیم. این دیوار را انوشیروان شاهنشاه ساسانی (۵۳۰-۵۷۸ مسیحی) تعمیر کرد و گویا مشتمل بر خندق عمیقی بود که در پشت آن دیواری محکم سنگی قرار داشت. اطاق‌های پاسداران در فاصله‌های نسبتاً منظم واقع بود و اکنون فقط حصاری کوتاه باتپه‌های کوچک متفرقی از آن برج و باروی عظیم که از حدود گمش تپه تا گکچه در سرزمین گوکلان امتداد داشته باقیمانده است. چنین بنظر میرسد که در بعضی قسمتهای آن خندق یا کانال و نیز دیواری دیگر در پشت آن وجود داشته است. در سمت دیگر رودخانه سالیان تپه واقع بوده. بوسیله معبر میوت کشن به ساحل چپ گرگان رود رفته شب را در عبه‌ای کوچک یا چادر بپلکه چارواها توقف نمودیم.

۲۳ دسامبر ۲۴ میل‌ونیم— در طرف چپ گرگان رود سه میل راه پیمودیم و از راه سنگر سومات بساحل راست رودخانه رفتیم. یکساعت پیش از ورود بگنبد

قابوس از تپه‌ای (قراوی تپه) که در کنار دیوار قزل آلان واقع بوده گذشتیم در آنجا آجر دیوارها بنظم نوتر از تمام آجرهایی بود که تا آن وقت دیده بودم. در فاصله دوری در سمت راست ما تپه بی‌بی‌شروان که در چهار میلی شمال غربی گنبد قابوس واقع و بنام یکی از زنان افو شیروان است دیده میشد. پس از آنکه بوسیله پل چوبی از گرگان رود عبور کردیم به گنبد قابوس رسیدیم که در ۵۰ میلی شمال شرقی شهر استرآباد واقع و تا رودخانه يك ميل فاصله دارد و در ۲ میلی شمال شرقی خرابه‌های شهر قدیمی گرگان است.

بنای گنبد قابوس برج آجری ده ضلعی است واقع بر تپه‌ای با ارتفاع ۶۰ پا. پائین برج مدور است و طاقی مخروطی دارد شکل آن مانند مناره‌ایست. هیچ اثری از پله در داخل یا خارج آن نیست. در آن در طرف مشرق واقع است و پنجره کوچکی در سقف دارد. در وسط کف آن يك سوراخ مستطیل بوده که فعلاً پراز خاك است. در آنجا بدون شك كالبند قابوس بن وشمگیر پادشاه جرجان قرار داشته. سنگ قبر مفقود شده و کتیبه‌ای در دور بنا بر بالای درهست. مضمون آن اینست: «بسم الله الرحمن الرحيم، اینست کاخ بلند امیر شمس المعالی امیر فرزند قابوس بن وشمگیر که امر فرموده این بنا در زمان حیاتش ساخته شود ۳۹۸ قمری ۳۷۵ شمسی».

میگویند برج را نادرشاه دونیمه کرد. وی پس از خستگی و تشنگی ناشی از يك روز تمام راه پیمایی بمجرد دیدن برج تصمیم گرفت در زیر آن بیاساید. اما بقدری از طول مسافتی که برای رسیدن بآن محل ناچار پیمود خشمناك شد که امر داد آنرا خراب کنند تا دیگر کسی مانند او دچار فریب نشود. بنا بر قول دیگر، یکی از سران ککلان بخیال اینکه گنجی در زیر بام آن پنهان کرده‌اند، امر داد گرداگرد برج را خالی کنند تا بنا فرو ریزد و گویا فقط با شنیدن عذر اینکه آن

کار ممکن است موجب تلف شدن جان تمام عملدها بشود، از اجرای قصد وحشیانه خود چشم پوشید. محیط خارجی برج ۲۱۰ پا، محیط داخلی ۹۵ پا، ارتفاع آن ۱۶۸ پا، ارتفاع طاق ۴۲ پا است. بنا بر این ارتفاع کل برج مساری با محیط خارجی آنست.

دشت گرگان تابستان بسیار گرم است ولی بعد از ظهرها معمولاً نسیمی از سمت شمال میوزد. باینجهت رویهمرفته هوای آن سالم است هرچند حشرات و بخصوص پشه خیلی در آنجا اسباب زحمت است. زمستان هوا ملایم و کمی آتش برای گرم کردن چادر کافی است برف خیلی کم می بارد. غیر از تابستان در مواقع دیگر بارانهای سیل آسا فراوان دارد. از فوریه تا آوریل (اسفند - اردیبهشت) صحرا مستور از نرگس و انواع گلها است. حیوانات شکاری هم در آنجا فراوان است.

گورگان که همان وهراکانه اوستا و هیرکانیای نویسندگان باستان است<sup>۱</sup>، قسمت عمده اش شامل دشت وسیع و جلگه های مشروب از گرگان رود و اترک است. اصلاً قسمتی از طبرستان بشمار میرفته (سایکس<sup>۲</sup> میگوید گرگان مر بوطبه هیرکانیا و پارت قدیم میشود). چندین قرن بعد خود گرگان ایالت جداگانه ای محسوب گردید. ولی تابع خراسان بوده است. پس از تغییراتی که در اثر حملات مغول پیش آمد از لحاظ سیاسی ضمیمه مازندران شد و شامل بود بر تمیشه، استراباد، آبسکون و دهستان. در زمان صفویه دیگر نامی از آن برده نمیشود. چنین بنظر میرسد که حدود اقتدار حاکم استراباد فقط تا گرگان رود بوده است.

۱ - رجوع شود به کتاب Le Strange « آثار معماری خراسان با شرحی بقلم ماکس وان برخم »  
 Chursanische Baudenkmäler von Max van Berchem چاپ برلن ۱۹۱۸ .  
 ۲ - درباره تعریف کلمه هیرکانیا به کتاب استرابان کتاب ۱۱ فصل هفتم بند ۲ و ۳ و تاریخ هردوت ترجمه راولینسن طبع لندن ( ۱۸۵۸ - ۱۸۶۰ ) جلد چهارم ص ۲۰۰ رجوع شود . درباره گرگان رجوع کنید به کتاب ایران شهر ماراکورث ص ۷۲ - ۷۴ ، Sykes - ۲

استراباد



مقدسی مینویسد گرگان چون رودخانه‌های فراوان داشته بیابان و تپه‌های آن پر از باغات خرما و مرکبات و انگور بحد و فور بود. ذکر کلمه خرما از جانب او بدون شك ناشی از اشتباه است. چه خرما در مازندران اسم خوج است نه خرمای معمولی. ✕

پایتخت گرگان شهری بهمین نام بود که گفته‌اند بوسیله شخصی بنام گرگین پسر میلاد بنا شد. فرمانروایان اولیه آن لقب نهایت صول داشتند. در سال ۱۸ هجری (۶۳۹ مسیحی) سوید بن مقرن بسطام را فتح کرد و به پادشاه گرگان (که اعراب جرجان مینامیدند) روزان بن صول نامه فرستاد و او را دعوت به تسلیم کرد و روزان ضمناً قبول نموده بود خراج سالیانه هم به اعراب بپردازد.

مستقله بن هبیره در سر راه خویش بمازندران، گرگان را نیز فتح کرد. ولی بعد از دو سال در نتیجه زدو خوردی که با فرخان کبیر کرد بقتل رسید. در سال ۹۸ هجری قمری یزید بن مهلب صول ترک را که حاکم گرگان بود، شکست داد و پایتخت او را تصرف نمود. با گماشتن عبدالله بن آمد در آنجا بسمت طبرستان پیشروی کرد. سکنه بر عبدالله حمله بردند. وی به محل مستحکمی پناه برد، تا آن که یزید او را خلاص کرد. ولی مجبور شد مبلغ گزافی به اسپهبد طبرستان بپردازد، تا بتواند با سپاهیان خود عقب نشینی کند. پس از هفت ماه محاصره مرزبان گرگان که به قلعه‌های کوهستان پناه برد تسلیم و کشته شد و یزید امر بقتل عام سکنه گرگان داد.

ابن حوقل در قرن چهارم هجری مینویسد گرگان شهر دلپذیری بود. بناهای آن از خشت بود. هوایش از آمل خیلی خشک‌تر بوده چون گرگان کمتر از مازندران باران دارد. شهر شامل دو قسمت است و هر قسمت در یک طرف رودخانه گرگان واقع بوده و بوسیله پلی که از قایق‌ها ساخته بودند بین دو قسمت شهر رفت و آمد میکردند.

گرگان در حقیقت نام نیمه شرقی شهر بود. در ساحل غربی رودخانه بکر آباد که از محلات کنار شهر بود، قرار داشت. دو قسمت شهر بنا بر تعریف ابن حوقل که خود بآنجا رفته بود، باندازه شهری وسعت داشت. در باغهای اطراف شهر میوه فراوان بود و ابریشم زیاد در آنجا بدست میآمد. محله عمده گرگان واقع در ساحل چپ رودخانه را مقدسی، شهرستان خوانده است، که مساجد عالی داشته و در بازارهای آن انار، زیتون، خر بوزه، بادنجان، پرتقال، لیمو و انگور که از باغات مجاور میآوردند بقیمت ارزان فروخته میشده است. بین محلات شهر نه‌هایی بود، که با پل‌های طاق‌دار و بالوارهایی که بر قایق‌ها قرار میدادند از روی آنها رفت و آمد میکردند. میدانی در جلو اداره حکومتی بود. این قسمت شهر نه دروازه داشت عیب عمده گرگان گرمای شدید آن بود. مگس و حشرات دیگر فراوان داشته مخصوصاً ساس‌های آنجا که بقدری درشت بود که بکنایه آنها را «گرگان» یعنی گرگها میخوانده‌اند.

بکر آباد نیز چنان که مقدسی نوشته است شهری پر جمعیت و دارای مساجد و عماراتی بود که قسمت مهمی از اراضی ساحل غربی رودخانه را اشغال نموده و مساحت آن در کنار رودخانه توسعه بسیار یافته بود. قزوینی در قرن هفتم مینویسد که گرگان در میان شیعه‌ها بواسطه امامزاده موسوم به «گورسرخ» که میگفتند متعلق بیکی از افراد اولاد علی بود شهرتی داشت. حمدالله مستوفی مینویسد نام این شخص محمد بن امام جعفر صادق بود (که در سنه ۲۰۳ هجری قمری وفات یافته) و باز او میگوید که نواده ملک‌شاه سلجوقی شهر را تعمیر کرد و محیط باروهای آن به هفت هزار گام میرسید. شاه اردشیر مازندرانی بامر سلطان تکش دیوارهای شهر را تعمیر کرد ولی باز بزودی آنرا خراب کرد.

در قرن هشتم هجری قمری که مقارن زمان تاریخ نویسی حمدالله مستوفی بود،

قسمت عمده شهر در حال ویرانی بود. پس از صدماتی که از حمله مغول دیده بود، دیگر تعمیر و اصلاح نشد. اما او از میوه های عالی که در آنجا بدست می آمده و راجع بانواع و اقسام آن بسیار شرحی بیان کرده و گفته است که در آنجا درختان فراوانند و درختانی که فقط دوسه ساله بودند دوبار در هر فصل میوه میدادند. جمعیت آن تماماً شیعه بودند هر چند عده آنها زیاد نبود. در سال ۷۹۵ هجری امیر تیمور که سراسر مازندران و نواحی اطراف آن را مورد تاخت و تاز قرار داده و خراب کرده بود، در گرگان توقف نمود. در اینجا در کنار رودخانه برای خود عمارت بزرگ شاسمان را ساخت که حافظ ابرو بخصوص اسم آن را ذکر کرده است «۱۰۶».

مسجدی در گرگان یافتیم که بنام گرزین خوانده می شد. بعلاوه یکی از محلات شهر در نزدیکی حصار نو بود موسوم به جماجو (جماجان نوشته میشود) و محله دیگری نزدیک باب الطاق بود بنام شوش و اسمی هم از دروازه معروف به باب-الیهود در میان بوده است. داعی الکبیر در بیرون شهر گرگان در قریه موسوم به روشنآخره دفن شده است و تن بی سر سید محمد بن زید که در سال ۲۸۷ هجری ۹۰۰ مسیحی در دو میلی گرگان شکست یافته و بقتل رسیده بود، در محلی که به گورداعی معروف گردیده بخاک سپرده شده است.

در ساحل دریای خزر، آبسگون بندر گاه گرگان و استرآباد بود و تا استرآباد يك روز و تا گرگان سه روز راه فاصله داشت. (منینی مینویسد آبسگون در ۱۶ میلی استرآباد و ۵۶ میلی گرگان بود.) ولی گویا محل آنرا در قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم مسیحی) چندی پس از نهب لشکر مغول آب فرا گرفت. اصطخری و ابن حوقل در قرن چهارم خاطر نشان کرده اند که آبسگون بازار مهمی برای تجارت ابریشم و خطی دفاعی در برابر ترکها و غزها بود و نیز بندر عمده بازرگانی

نقاط ساحلی با کیلان بوده و بوسیله قلعه محکمی که با آجر ساخته شده بود دفاع میشده است و يك مسجد جمعه در بازار آن واقع بود. مقدسی راجع بآن مینویسد «لنگر گاه بزرگ گران» و بگفته یاقوت خود بحر خزر نیز غالباً دریای آبسگون نامیده میشد. در تاریخ، آبسگون بعنوان آخرین پناهگاه سلطان محمد آخرین پادشاه خوارزمشاهی که در برابر غارتگران مغول فرار اختیار کرده بود شناخته میشود. وی در این شهر بسال ۶۱۷ هجری در نهایت بدبختی فوت کرد. ابن سربیون اظهار میدارد که شهر آبسگون در کنار رود گران در محلی که رود بدریامیر یخته واقع بوده است «۱۰۷».

مهمترین رودخانه ایالت گران رودیست که مقدسی آنرا بنام طیفوری ن کر نموده ولی اسمی از رودخانه اترك نبرده است. در قرن هشتم هجری (۱۴ مسیحی) حمدالله مستوفی آنرا آب جرجان نام برده و میگوید که از جلگه شهر نو سرچشمه میگیرد و از میان دشت سلطان دوین جریان دارد و از شهر گران عبور میکند و در نزدیکی جزیره آبسگون در خلیج نیم مردان «۱۰۸» بدریای خزر می ریزد. بگفته مؤلف مزبور رودخانه ای عمیق بود و عبور از آن امکان نداشت. بهمین جهت کسانی که میخواستند از آن عبور کنند غالباً غرق میشدند. در موقع سیلاب آب رودخانه بوسیله ترعه ها خارج و برای آبیاری مصرف میشد. با وجود این قسمت عمده آب بهدر میرفت. گران رود در کنار قلی داغ تشکیل می گردد و آنجا محل اتصال سه نهری است که از سرچشمه واحد می آیند. یلی چشمه و یک میل و نیم بالاتر نهر دیگر و دلما نیم میل باز بالاتر. مجموع آب نهرهای کی و اسحقی در سمت چپ ساری سو در طرف راست و آب شور ۱۲ میل پایین تر بآن ملحق میشوند.

در نزدیکی خرابه های شهر قدیمی گران خرم رود «۱۰۹» که نوده یا سمبر هم نامیده میشود، از سمت جنوب بگر گران رود میریزد. شعب دیگرش از

طرف جنوب عبارتند از نهرهای کونچی مالا که شاید همان قیچق باشد و آقری کل (در سه میلی پریم تپه) البه کلی یا المکاتلی ۶ میلی یارم تپه و چقلی و قوشگری و اقیره جارو گرپ .

بنابر اظهار فن بوده<sup>۱</sup> اسحقی سو که قراول چای و دوق اولو هم نامیده میشود، از سمت چپ سوا سینهرود و از طرف راست قره سلی بآن میریزد. طول کرگان رود بیش از یکصد میل است دهانه آن سابقاً نزدیک باش یوزخه بوده که کمی در شمال قره سو است در سال ۱۸۵۴ هجری ایرانیان کوشیدند آب رودخانه را به مسیر سابق آن منحرف سازند. ولی موفق نشدند و از آن پس رود مزبور در دو شاخه جریان یافته و شعبه عمده بطرف گمش تپه و شعبه دیگر بخواجه نفس میرفته. در حدود سال ۱۸۸۶ شاخه اولی خشک شد. رودخانه پنج پل دارد. یکی پل چوبی در گنبد قابوس و دیگر پل دیگر سنگی در آق قلعه و سه پل چوبی دیگر بترتیب در عبه ملاقلیج خان و در آنجالی و در خواجه نفس.

ما به تماشای تپه بزرگی رفتیم که از آثار محل قدیم شهر کرگان است. در شمال غربی شهر، ارگ واقع<sup>۲</sup> و شامل یک قصر و بازار و حمام است. حمام مزبور هنوز در وضع نسبتاً سالمی باقی مانده بود. ارگ مذکور بر ساحل شرقی نهر قرنگی امام یا خرمارود واقع بود که شعبه ای از کرگان رود است و بوسیله مجاری سنگی آب از کرگان و قرنگی امام بشهر میرفته و سابقاً آب بیشتری در آن جریان داشته. در بیرون شهر کرگان امامزاده قرنگی امام « ۱۱۰ » قرار داشت و آن بقعه کهنه ای بود با گنبد که قسمت عمده اش در زیر خاک واقع شده بود. بلندی از نوک گنبد تا کف بنا که مقبره آقا در آنجا است، در حدود پانزده ذرع

۱ - Von Bode - ۲ - رجوع شود به مقاله سرهنگ سایکس بنام « سفر ششمین به ایران » در مجله انجمن جغرافیائی پادشاهی شماره ۲۷ .

است . چون کتیبه‌ای در بانجا وجود نداشت در یافتن نام صاحب آن ممکن نگردید . ولی عموماً معتقدند که مزار امام یحیی بن زید است که هنگام زدو خوردی در حدود سال (۱۲۵ هجری قمری) در خارج شهر بقتل رسید و ابو مسلم که خصم وی بود جسد او را بخاک سپرد .

پیش از آن که این فصل را که بیشتر راجع به ایالت گرگان است تمام کنیم شاید شایسته باشد مختصری از اطلاعات کمی که راجع به دهستان در دست هست ذکر کنیم . دهستان سابقاً قسمتی از گرگان بود و بواسطه حملات پی در پی بقدری خراب شد که هنوز خالی از جمعیت ثابت یا کشت و زرع و یا هر نوع مسکنی است . فقط گاهی ایلات سرگردان بومی در آنجا توقفی می نمایند . میگویند دهستان سرزمین دهه<sup>۱</sup> بود که در چهار منزلی شهر گرگان واقع است . فقط دهاتی کوچک و جمعیتی بسیار کم دارد . قرارگاه عمده اش آخر بود که بنا بر قول مقدسی شهری بود که ۲۴ ده در اطراف آن واقع و آن دهات از پر جمعیت ترین نقاط گرگان بود . در سمت شرقی آخر درس راه بیابانی که به خوارزم منتهی می شود الرباط واقع بود . یا قوت از دهات خرتیر ، فرغول ، هیزتن و هبرئان نام برده ولی شرحی نداده و ذکر می ننموده است . در چهار منزلی دهستان درس راه خوارزم شهر افراوه بود که گمان میرود همان شهر کنونی قزل اروث باشد که مشتق از اسم مجهول قزل الرباط ، قراولخانه است .<sup>۲</sup>

از گرگان به دهستان بیست و سه فرسخ و منازل بین راه عبارت بود از یازر رود ۹ فرسخ ، محمدآباد ۷ فرسخ ، دهستان ۷ فرسخ ، از دهستان به افراوه

۱ - رجوع کنید به ضمیمه اول : دهات سدن رستاق .

۲ - رجوع کنید به استرا بو کتاب یازدهم فصل هشتم بند ۲ و نیز فصل نهم بند ۳ .

منازل بین راه از این قرار بوده است :

رباط گزینی ۷ فرسخ ، رباط ابوالعباس ۹ فرسخ ، رباط ابن طاهر ۷ فرسخ ،  
فراوه یا افراوه ۷ فرسخ .

## فصل یازدهم

گنبد قابوس - انجلی - بند امیر - خواجه نسر -  
تراکمه ایران - عداوت بین قبیله ها - حدود اقتدار  
حکومت ایران در میان ترکمن ها - سرکرده ها - شرح  
احتشام الوزاره درباره تراکمه - ازدواج - یموتها - دهات  
یموت - چمور و چاروا - زراعت و صنعت - خوش  
حسابی و امانت ترکمن ها درکسب - شرف و چونی -  
اقامتگاه های دائمی - روابط با دهات انک - هجوم و  
یورش ها - امکان برقراری آرامش - گوکلان - سرزمین  
آن - گوکلان و یموت - نظریه قدیمی راجع به اصل  
نام استراباد - رادکان - کتل جهان نما - کاروانسرای  
رادکان - برج رادکان - کتیبه ها - رسیدن ما بدریای  
خزر .

۲۶ دسامبر ۲۷ میل - بعد از عزیمت از گنبد قابوس از کنار امامزاده فرنگی امام  
عبور کردیم . بوسیله پلی چوبی از رودخانه و سپس نهر عمیق تکلی قره سو گذشته به  
تپه آق ناور که در ساحل چپ نهر کونچی مالا است رسیدیم . تپه تندرلی در طرف راست  
ما واقع بود . از اینجا راه در امتداد نهر البه کلی واقع است . مانع بعدی در راه ما  
رودخانه خشک یا کانال کرتکان بود که طرفین آن درختان انار و درخت های خاردار  
بسیار بود . درست راست ما با تلاق هایی بود که از نهر چکدلی آب میگرفت و قبل از  
آنکه به شاخه اصلی این رودخانه برسیم از دو شعبه اش عبور کردیم . با آنکه رودخانه



در آن موقع سال خشک بود، بستری خیلی عمیق داشت. پس از يك ساعت راه پیمایی به نهر قوش کپری آمدم. قدری دورتر چند تپه بزرگ واقع بود، موسوم به الله كرك که حد بین عبه‌های داز و دوباجی را مشخص می کرد. شب را در چادر توقداری داز بسر بردیم.

۲۷ دسامبر ۱۷ میل - از قری آب و بعد هم از نهر اگیره جار و قدری دورتر از رودخانه پراز گل گرپ عبور کردیم. پس از گذشتن از میان خرابه‌های مبارك آباد به خط تلگرافی استرآباد - چکش لر روسیه که حد بین تیره جعفریای و همسایگان ایشان اتابای است، رسیدیم و بعد از يك ساعت سواری به حصاری بنام قلعه ایلگلدی خان بر خوردیم. پس از سه میل دیگر راه پیمایی به گرگان رود رسیدیم که پل چوبی از الوار داشت. دیری نگذشت که به اونچالی وارد شدیم و آن مهمترین اقامتگاه ترکمن بود که تا آنوقت دیده بودیم. این آبادی در تابستان ۳۰۰ چادر و چل تم یا کلبه‌های چوبی دارد با چند دکانی که وصل با آنها است.

۲۸ دسامبر ۲۵ میل - از میان صحرائی هموار و باتلاقی بطرف گمش تپه رفتیم که در ده میلی انچلی و در کنار شعبه قدیمی گرگان رود واقع است. موراو بو<sup>۱</sup> در سفرنامه خود راجع به ترکمنستان و خيوه (سال ۱۲۲۳) مینویسد که بنسب اظهار ترکمن‌ها گمش تپه تا چندی قبل از مسافرت او به آنجا (۱۵-۱۸۱۴ مسیحی) جزیره‌ای بوده. وینویچ<sup>۲</sup> نیز بیان می کند که دوهزار خانوار ترکمن در گمش تپه بودند چنانکه سابقاً اشاره شده است گمش تپه در کنار صحرای اصلی گرگان رود در حدود يك ميل و نیم از مصب آن واقع است و در سال (۱۳۰۷ هجری قمری) نصر السلطنه (که بعداً سپهدار اعظم شد) در زمان فرمانداری خود در استرآباد سدی جلوی گرگان رود ساخت تا آب را به مجرای سابق منحرف سازد. دوهزار نفر برای حمل تیرها به محل رودخانه

و خاک ریزی روی آنها بکار گماشته شدند. اما در همان روز اتمام ساختمان سد را آب برد که محل آن هنوز هست و بندامیر خوانده میشود. پس از آن واقعه اهالی از خواجه نفس به گمش تپه کانالی حفر کردند. اما چون اندازه گیری صحیحی در این کار نشده بود، آن کانال اکنون خشک افتاده است، بهمین جهت آبادانی گمش تپه رو بکاهش گذاشته است و بنظر من اگر خسارت انتقال دکانها و انبارها مانع نمی بود، اهالی تا حال بکلی آنجا را ترك می گفتند.

پس از طی پنج میل راه بسمت جنوب در دشتی مسطح در امتداد کانال به خواجه نفس در کنار کرگان رود واقع در نیم فرسخی دریا رسیدیم. خواجه نفس دارای ۵۵۰ خانوار جمعیت است. از آنجا به عبه بند رهسپار شدیم که بآن جهت باین نام مشهور شده است، که نزدیک محل بند نصر السلطنه واقع است. بوسیله پل انچلی از رودخانه کرگان عبور کردیم. پس از یک ساعت بوسیله پل چوبی باز بساحل چپ رودخانه آمدیم و بخانه ملا قلیچ خان که در ده میلی خواجه نفس و نه میلی استرآباد و شش میلی باش یوزخه است وارد شدیم.

۲۹ دسامبر ۹ میل - از قره سو بوسیله پل چوبی موسوم به يك لك حاجی عبور کردیم. سپس از شاه مرز و يك شعبه کوچک قره سو بنام يکه مازو و همچنین از کنار تك درخت گردو که در این نقطه بود گذشتیم. بعد از عبور از قلعه محمد که در طرف جنوب ما واقع بود بخط تلگراف روسی رسیدیم از آنجا تا دروازه فوجرد شهر استرآباد چهارمیل راه است.

ترکمن های ایرانی بدو قبیله عمده منسوب اند: یموت و گوکلان که به تیره های جزء و دسته های کوچک و آنها نیز بدسته های کوچک تر تقسیم میشوند.<sup>۱</sup> این قبیله ها رئیس خاصی ندارند. با آنکه هر تیره يك آق سقل یا «ریش سفید» دارد

۱- رجوع شود به کتاب «خراسان و سیستان» چاپ لندن ۱۹۰۰ تألیف سرهنگ بیت (C. E. Yate).

ولی مقام او منشاء قدرت و اثری نیست و فقط بواسطه کبر سن و تجربه و نفوذ شخصی بآن مقام میرسد .

عداوت قبیله‌ای بین ترکمن‌ها زیاد است و آن نتیجه فقدان حکومت مقتدر مرکزی و یا وجود کسی است که سردسته توانای همه آنها باشد و درکارهای طوایف مذکور نظارت نماید . میزان قدرت و نفوذ دولت ایران در آنجا محدود و به تحمیل مالیات و خراج است . ولی آنها را درکار و رفتارشان آزاد میگذارد و یک مرجع عالی مقتدر نیست که متجاوزین را مجازات کند . این قدرت در دست همه مردم محل و سران آنها و بسته بدخواه ایشان است . در حفظ این قدرت هم غالباً مقاومت می نمایند . اقتدار و میزان نفوذ حکومت مرکزی در آنجا بسته بوضع و رفتار حاکم محلی یعنی اراده و قدرت و یا سستی و ضعف اوست . باج و خراج به نمایندگی مخصوص و یا سرکرد کانی که از طرف حکومت مرکزی منصوب میشوند پرداخته میشود . این متصدیان وصول باج ، افراد سواری هستند که تیره‌های متعدد هر قبیله باید به‌هنگام لزوم تهیه نمایند .

ماموریت سرکردگی عملاً در بعضی خانواده‌ها موروثی است . بدین جهت نیز آنها از همان ابتدای عمل از مقام خود سوء استفاده مینمایند و برای غارت کردن دهات مردم بیچاره استرآباد با ترکمن‌ها همدست میشوند . مأمورین به غارتگران تفنگ و فشنگ می‌رسانند . چون درعین حال فرماندهی عده نظامی استرآباد نیز بعهده آنها است ، بنابراین از همه گونه اقداماتی که حاکم استرآباد جهت سرکوب آنها باید بکند جلو گیری می‌کنند و تحت فرماندهی همین سردسته‌ها بود که بعد از بمباران شدن مجلس شورای ملی در زمان پادشاهی محمدعلی شاه تراکمه به استرآباد حمله کردند و دهاتی که سر راه آنها بود طعمه حریق شد . علت این که شهر استرآباد در آن مورد غارت نشده فقط کوشش و اقدام کنسول روس و کمیسر روسیه بود که